

گفت‌وگو با محمد کارت، کارگردان «شای بولاله»

فیلم اگر خوب باشد، خودش
بچه مخاطبش را می‌گیرد

صفحه ۱۷

برگننده از سال‌های دور تا نزدیک

قاب‌های درخشانی که در
جشنواره فجر تقدیر شدند

صفحه ۳۴

گفت‌وگو با سیدمصطفی میرسلیم

قدر جشنواره فیلم فجر را
بدانیم

صفحه ۳۶



گفت‌وگو با مرتضی فرشیاف، کارگردان فیلم «تومان»
واقعیت فیلم من از دل
سینما می‌آید نه اجتماع

شرح در صفحه ۱۹

فجرنامه

بولتن مجازی سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر
شماره هشتم، یکشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۸

گفت‌وگو با بهرنگ دزفولی زاده، کارگردان «بی صدا جلزون»

قصه کشمکش‌های دنیای ناشنویان



عکس: سحر لطفی



شناسنامه

نویسندگان: وحیدتیرین جشنواره فیلم فجر

مدیرمسئول: ابراهیم داوودزاده

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)

سرپرست: سید علیپور

نگارگران تصویر: پریسا ساسانی، ژاژ پیکانکار، زهران نجفی و فاطمه محسنی

ماتشرازه: فاطمه اشتری، علی افشار، سیدرضا صافی و مهیلا علیپور

مدیر هنری: علی شکور

ویزیتاوشید: محمد امجد طاهر

دیزاینر: محمد حسن حسینی

آرکیک: زینب فلاح، مهدی منتاصری و مهرداد نصیری

عکاس: مهین باقری، میلا بیانی، سحر محراب بیگی، پارسا نظری، محراب، مهین

صلاحتی: زاده، سحر لطیفی و صبا آقرو

فهرست

۳ سرافقانه به قام سید عبد الجواد موسوی

۴ خیرها

۸ نشست خبری فیلم «سه کام حسن»

۱۰ نشست خبری «قصیده کاوسی»

۱۲ نشست خبری فیلم «عاهه بسند»

۱۴ معرفی فیلم های روز دوشنبه در پریس سنمایی ملت

۱۷ گفت و با محمد کارت، کارگردان «شای پروانه»

۲۱ گفت و با مصرت دزفول زاده، کارگردان «هن صدا جلوزن»

۲۵ گفت و با مرتضی قزلباش، کارگردان فیلم «تومان»

۲۸ «قصه دختران فروغ» به روایت کارگردان

۳۱ «داوود» روایت کارگردان

۳۲ اینفوگرافیک دوربین های که از تهران خارج شدند

۳۴ قاب های درخشان: نه در جشنواره فجر تقریر نماند

۳۶ گفت و با سید مصطفی میرسلیم وزیر فرهنگ دولت سازندگی

۳۸ گزارش تصویر



سید عبدالجواد موسوی ◀

فیلم‌ها را از لوکیشن‌های محدود رها کنیم

سینما با اقتصاد پیوندی ناگسستنی دارد. در همین راستا تلاش می‌شود فیلم‌ها در آپارتمان فیلم‌برداری نشود، قصه کم‌خرج نوشته شود، با سراغ بازیگران کم‌خرج و نابازیگران بروند. اما این روند آشکارا شکست خودش را نشان داده است و فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم سینما به معنای سینما داشته باشیم، چاره‌ای نداریم جز این که فیلم‌های پرهزینه بسازیم.



یکی از بنیان‌های فیلم‌های پرهزینه هم این است که از لوکیشن‌های محدود رها شویم و بیرون بیاییم و ترسیم از این‌که قصه را گسترش دهیم.

البته در سال‌های اخیر تا حدودی این اتفاق رخ داده و فیلم‌ها از حالت آپارتمانی و دختر پسری بیرون آمده و ظاهراً آن روبه در حال کم‌رنگ شدن است. این یعنی در حال نزدیک شدن به ذات سینما هستیم. متأسفانه خیلی از فیلم‌نامه‌نویسان ما تا همین چند وقت پیش چنین رویکردی داشتند، حتی الان هم هستند فیلم‌سازانی که این مشی و ذهنیت از فیلم‌سازی را داشته باشند، یعنی وقتی می‌خواهند قصه بنویسند، می‌ترسند، منظورم ترس از ممیزی و سانسورهای رایج نیست؛ از هزینه‌ها می‌ترسند، همین هزینه‌ها هم نوعی سانسور را بر ذهن آن‌ها حاکم کرده است. وقتی در حال نگارش قصه هستند، می‌ترسند یک صحنه تصادف داشته باشند، می‌ترسند فیلم اکشن باشد، یا صحنه تعقیب و گریز داشته باشند. اگر فیلم جنگی است، می‌ترسند از توپ و تانک و هواپیما در فیلم استفاده کنند.

این ترس باید اندک اندک فرو بریزد و وقتی این اتفاق بیفتد، حتماً بنیان‌های اقتصادی سینما هم تقویت خواهد شد. به نظر می‌رسد این اتفاق اندک اندک در حال رخ دادن است. با بیشتر شدن و گسترش پردیس‌های سینمایی مردم بیشتر ترغیب می‌شوند به سینما بروند، به تناسب آن، فیلم‌هایی نیز ساخته خواهد شد که هزینه آن برمی‌گردد و کم‌کم فضا عوض می‌شود و ما به سمت سینما به معنای واقعی کلمه خواهیم رفت.

در همین راستا تغییر لوکیشن‌ها قطعاً در جذب مخاطب تأثیرگذار است. بعد از مدتی قصه‌ها به تکرار می‌افتند، کما این‌که این اتفاق افتاده بود. فیلم‌ها درباره خیانت‌های رایج و مرسوم یا رابطه‌های رمانتیکی بود که از شدت تکرار مخاطب را پس می‌زدند و باعث شده بودند مخاطب ایرانی کمتر به تماشای فیلم‌ها رغبت نشان دهد.

درحالی‌که هر چقدر لوکیشن و قصه متنوع‌تر و ذهن نویسنده برای خلق کاراکتر، موقعیت و حادثه آزادتر باشد، بدون شک فیلمی که با این معیارها ساخته می‌شود، در جذب مخاطب موفق‌تر خواهد بود.



کوتاه از اخبار روز نخست

کمک‌های جشنواره فیلم فجر راهی مناطق سیل‌زده شد

نخستین روز از جشنواره فیلم فجر سی‌وهشتم همراه بود با ارسال کمک‌های سینمای ایران به مناطق سیل‌زده استان سیستان و بلوچستان که با حذف مراسم افتتاحیه جشنواره و اختصاص هزینه‌های مرسوم این مراسم اتفاق افتاد. در جشنواره امسال فرصت ویژه‌ای برای مشارکت گروه‌هایی با نیازهای ویژه، از جمله ناشنویان، نابینایان، جانبازان و توان‌یابان حرکتی، فراهم شده است تا آن‌ها هم بتوانند به تماشای فیلم‌های جشنواره بنشینند. هم‌زمان با آغاز جشنواره فیلم فجر در تهران، شهرهای دیگر ایران هم میزبان جشنواره فیلم فجر شدند.

ارسال کمک به سیستان و بلوچستان با آغاز جشنواره فیلم فجر



کمک‌های سینمای ایران در اولین روز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به سمت سیستان و بلوچستان ارسال شد.



در اولین روز برپایی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، طی مراسمی با حضور ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، و محمد نصیری، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر، چند خودرو حامل اجناس اهدایی از مقابل پردیس سینمایی ملت به سمت سیستان و بلوچستان ارسال شد.

هم‌چنین کمک‌های وعده داده‌شده از سوی سیدمصطفی احمدی، تهیه‌کننده فیلم «درخت گردو»، نیز همراه این کاروان به سمت سیستان و بلوچستان فرستاده شد. امسال بر اساس تصمیم شورای سیاست‌گذاری و دبیر

جشنواره سی‌وهشتم، هزینه‌های مرسوم مربوط به برپایی افتتاحیه جشنواره فیلم فجر جهت کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده سیستان و بلوچستان در نظر گرفته شده بود.

اجرای «بچه‌های آفتاب» با همراهی هنرمندان در سیستان و بلوچستان



کودکان فیلم نمایش می‌دهد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم یک تریلی مجزه به سینما سیار و امکان پخش صوت و تصویر خوب را با گروه هنرمندان همراه می‌کند. «بچه‌های آفتاب» در روزهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بهمن ماه در استان سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود.

۲

حیب ایل‌بیگی، قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی، جزئیات برنامه «بچه‌های آفتاب» با هدف همدلی و همراهی با کودکان و نوجوانان شهرها و روستاهای مناطق سیل‌زده سیستان و بلوچستان را اعلام کرد.

ایل‌بیگی درباره برنامه «بچه‌های آفتاب» که در مناطق سیل‌زده سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود، گفت: «هر سال جشن سیم‌رغ و پروانه‌ها با نمایش فیلم‌های ویژه این گروه سنی در مناطق مختلف شهر تهران برگزار می‌شد، اما امسال با توجه به سیل سیستان و بلوچستان تصمیم به اجرای این برنامه برای بچه‌های شهرها و روستاهای سیل‌زده گرفتیم. مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن سینمای جوانان ایران و سازمان بندرها و دریانوردی در برپایی این برنامه ما را همراهی می‌کنند و با حضور جمعی از اهالی سینمای کودک تلاش داریم با برپایی برنامه‌های هنری برای بچه‌ها روزهای خوبی را برای آن‌ها رقم بزنیم.»

او ادامه داد: «پوران درخشنده، سیدجواد هاشمی، بهنوش بختیاری، مهران رحبی، حسن آفاریمی، علی عبدالعلی‌زاده و مجید فناده همراه گروهش، آرتیا رضایی (خاله رویا) و مجتبی ظریفیان (عمو مهربان) برای برگزاری برنامه «بچه‌های آفتاب» با ما همراهی می‌کنند و ضمن برگزاری برنامه‌های مفرح، هدایایی شامل اسباب‌بازی که برای کودکان تهیه شده، از سوی هنرمندان به کودکان اهدا می‌شود.»

قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی درباره امکانات نمایش فیلم در این برنامه گفت: «انجمن سینمای جوانان ایران با ارسال چند دستگاه سینمای سیار به شهرهای مختلف برای

نابینایان به تماشای فیلم‌های فجر سی‌وهشتم می‌نشینند



توان‌یابان حرکتی از متروی صادقیه به ایران‌مال و برعکس از پیش فراهم شده است.

۳

تماشای فیلم‌های سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر برای نابینایان و توان‌یابان امکان‌پذیر شد. سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، از یک‌شنبه، ۱۳ آبان، به مدت ۱۰ روز با مناسب‌سازی کامل فیلم‌ها و همچنین آماده‌سازی شرایط و موقعیت، امکان تماشای فیلم‌های منتخب را برای تمامی ناشنوایان، نابینایان، جانبازان و توان‌یابان حرکتی فراهم کرد.

این بخش از جشنواره در سه سانس ۱۴، ۱۵ و ۱۸ به ترتیب ویژه جانبازان و توان‌یابان حرکتی، نابینایان و ناشنوایان در پردیس سینمایی ایران‌مال میزبان این افراد خواهد بود. بلیت‌های جشنواره برای توان‌یابان و نابینایان نیم‌بها خواهد بود.

فیلم «دوزیست» روز یک‌شنبه، ۱۳ بهمن، برای این گروه از تماشاگران در پردیس سینمایی ایران‌مال اکران می‌شود. وسایل نقلیه برای تمامی ناشنوایان، نابینایان، جانبازان و





آغاز به کار جشنواره در شهرهای شیراز، اصفهان و خراسان شمالی

فروش بلیت نوزدهمین جشنواره فیلم فجر شیراز به زودی از سایت اینترنتی آغاز خواهد شد.
اکران ۱۴ فیلم سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر در خراسان شمالی

حسین فرخنده، با اعلام خبر نمایش فیلم‌های منتخب جشنواره در خراسان شمالی گفت: «(من می‌ترسم) به کارگردانی بهنام بهزادی، (آتابای) به کارگردانی نیکی کریمی، (آن شب) (۱۲+) به کارگردانی کوروش آهاری، (تومان) به کارگردانی مرتضی فرشپاف، (خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری) به کارگردانی پیمان فاسم‌خانی، (دشمنان) به کارگردانی علی درخشنده و (روز بلوا) به کارگردانی بهروز شعبانی از روز ۱۵ تا ۲۱ بهمن ماه هر روز ساعت ۱۸ در سینما گلشن و ساعت ۲۱ در سینما عمیق بجنورد اکران می‌شود.» او ادامه داد: «(کشتارگاه) به کارگردانی عباس امینی، (سه کام حبس) (۱۲+) به کارگردانی سامان سالور، (قصیده گاو سفید) به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها، (روز صفر) به کارگردانی سعید ملکان، (لباس شخصی) به کارگردانی امیرعباس ریعی، (مغز استخوان) به کارگردانی حمیدرضا قربانی و (دوزیست) به کارگردانی برزو نیک‌نژاد از ۱۵ تا ۲۱ بهمن ماه هر روز ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه در سینما عمیق و ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه در سینما گلشن بجنورد اکران می‌شوند.»

خراسان شمالی برای پنجمین بار میزبانی اکران فیلم‌های منتخب جشنواره فیلم فجر را بر عهده دارد که امسال ۱۴ فیلم

هم‌زمان با آغاز به کار سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر در تهران فیلم‌هایی از جشنواره در شهرهای شیراز، خراسان شمالی و اصفهان به نمایش درآمد.

محسن خباز، مدیر اجرایی جشنواره فیلم فجر استان فارس، درباره برگزاری جشنواره در شیراز گفت: «مجموعه فرهنگی هنری حافظ، مجموعه فرهنگی سینمایی هنر شهر آفتاب و پردیس سینمایی گلستان با مجموع چهار سالن آماده نمایش فیلم‌های این جشنواره خواهند بود.» او ادامه داد: «فیلم‌های (سینما شهر قصه)، (پدران)، (شنای پروانه)، (پوست)، (عامه‌پسند)، (تعارض)، (سه کام حبس)، (مردن در آب مطهر)، (خروج)، (خوب بد جلف ۲)، (آبادان یازده ۶۰)، (خون شد)، (روز بلوا)، (ابر بارانش گرفته)، (درخت گردو)، (دوزیست)، (بی‌صدا حلزون)، (لباس شخصی)، (آتابای)، (مغز استخوان) و (روز صفر) تا کنون برای نمایش در شیراز قطعی شده‌اند و برگزارکنندگان این رویداد سینمایی در تلاش هستند تعداد بیشتری از فیلم‌های جشنواره سی و هشتم را برای مخاطبان شیرازی به اکران در بیاورند.»

خباز با اشاره به سیمرغ پروانه‌ها گفت: «امسال نیز در بخش سیمرغ پروانه فیلم‌های (۲۳ نفر)، (کاتی و ستاره)، (منطقه پرواز ممنوع)، (توننا ۲) و (قطار آن شب) برای کودکان و نوجوانان در مجموعه فرهنگی سینمایی هنر شهر آفتاب به نمایش درخواهد آمد.»



او ادامه داد: «چهاردهم بهمن ماه مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم فجر در پردیس سینمایی سیتی سنتر اصفهان برگزار خواهد شد و یکی از برنامه‌های اصلی این افتتاحیه تجلیل از یک خانواده شهید است، چراکه معتقد هستیم حوزه هنر، به خصوص سینما، مدیون خون شهادت، تأثیر خون شهادتی چون قاسم سلیمانی در میان مردم هم‌بستگی ایجاد کرده است و به همین دلیل امیدواریم در این جشنواره بتوانیم دین خود را به خون این عزیزان ادا کنیم.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان تأکید کرد: «سهمیه استان‌های برگزارکننده جشنواره فیلم فجر ۱۲ فیلم است، اما در استان اصفهان به دلیل ظرفیت بالایی که در زمینه سینما وجود دارد، در تلاش هستیم بتوانیم تمامی فیلم‌های بخش سودای سیمرغ را در اصفهان به روی پرده ببریم.»

او ادامه داد: «اکران پنج فیلم بلند داستانی که ساخته کارگردانان اصفهانی است، هم‌زمان با برگزاری جشنواره از بخش‌های جنبی دهمین دوره فجر در اصفهان است.»

در بخش رقابتی و پنج فیلم هم در بخش سیمرغ پروانه‌ها، ویژه کودکان و نوجوانان در مرکز استان اکران خواهد شد. حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، با اشاره به این‌که هم‌زمان با دهه فجر سینماگران دستاورد یک سال تلاش سینمایی خود را به منصف ظهور می‌گذارند، گفت: «هدف برگزاری جشنواره فیلم فجر در استان‌ها تقدیر و تشکر از هنرمندان سینمایی است. از سوی دیگر، یکی از دلایل برگزاری جشنواره در استان‌ها ارائه و اکران فیلم‌های خوب جشنواره هم‌زمان با تهران است تا علاقه‌مندان بتوانند در استان‌های خود به تماشای آثار جشنواره فجر بنشینند.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان توضیح داد: «دهمین جشنواره فیلم فجر در اصفهان با تکریم شهدا و جانبازان کار خود را آغاز خواهد کرد و برای برگزاری آن چند ماهی است که گروه برگزاری در حال آماده‌سازی فضای اصفهان برای برگزاری این جشنواره است.»

جشنواره فیلم فجر؛ زنده در لنز «سیمرغ ۳۸»



برنامه اینترنتی «سیمرغ ۳۸» دو بار در روز باپخش دارد و به طور هم‌زمان در نمایشگرهای سینماهای مردمی، سینماهای شهرستان‌ها و صنوف به نمایش گذاشته می‌شود.

برنامه اینترنتی «سیمرغ ۳۸» همه اتفاقات سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر را پوشش می‌دهد.

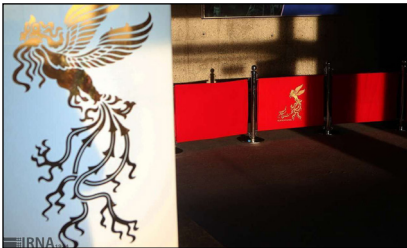


تولید و اجرای برنامه اینترنتی «سیمرغ ۳۸» مطابق روال استاندارد جشنواره‌های معتبر جهانی برای نخستین بار در جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر تدارک دیده شده است.

«سیمرغ ۳۸» یک برنامه هشت ساعته شامل پخش زنده نشست‌های پرسش و پاسخ فیلم‌های جشنواره از پردیس ملت، سینمای رسانه، نقد فیلم‌های به نمایش درآمده در جشنواره و آیت‌هایی چون خبر، گزارش سینماهای مردمی، جشنواره در شهرستان‌ها و اتفاقات پیرامون جشنواره است که به پوشش کامل رخدادهای این دوره از جشنواره می‌پردازد.

این برنامه اینترنتی ویژه جشنواره فیلم فجر، در آپارات، لنز ایرانسل و سایت جشنواره فیلم فجر پخش خواهد شد.

اعلام سانس‌های تکرار فیلم‌ها در سینمای اهالی رسانه



فیلم‌های سینمایی اکران شده در سینمای اهالی رسانه در چهار سانس تکرار می‌شوند.



براساس خبری که از سوی روابط عمومی جشنواره فیلم فجر اعلام شد، فیلم‌ها به فاصله یک روز نمایش در سینمای رسانه در پردیس سینمایی ملت روی پرده می‌روند. البته با این تفاوت که سانس‌های نمایش در روز دوم کاملاً برعکس سانس‌های روز اول است.

نوبت تکرار فیلم‌ها در پردیس سینما ملت ساعت‌های ۱۸، ۱۶، ۱۴ و ۱۲ خواهد بود.





نشست خبری فیلم «سه کام حبس»

قصه زنی که به قهقرا می رود

نشست خبری فیلم «سه کام حبس» اولین نشست سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر بود که با فیلم سامان سالور آغاز شد. در این نشست علاوه بر سامان سالور کارگردان و نویسنده، ساسان سالور تهیه کننده، مسعود سلامی مدیر فیلم برداری، مهدی ابراهیم زاده صدایردار، غزاله معتمد طراح لباس، سحر شهامت طراح صحنه، محسن تنابنده، پریناز ایزدیار، متین ستوده و سمیرا حسن پور بازیگران فیلم حضور داشتند. محمود گبرلو اجرای نشست های اولین روز جشنواره، شنبه دوازدهم بهمن ماه را بر عهده داشت.

«سه کام حبس» قصه پلیس نبود

سالور با اشاره به این که ساخت فیلم «سه کام حبس» سه سال زمان برده است، درباره قصه فیلم گفت: «تلاش ما بر این بود که جنبه دیگری از اعتیاد و ضربه ای را که به خانواده می زند، به تصویر بکشیم. از نظر من فراگیری اعتیاد در جامعه موضوع مهمی است و امیدوارم این فیلم تلنگری برای این افراد باشد که زندگی خانوادگی شان را تباه نکنند.» او هم چنین درباره بازی تنابنده در فیلم «سه کام حبس» بیان کرد: «بازی تنابنده یکی از ویژگی های بارز فیلم بود و با ایده هایی که می داد، باعث شد قصه سر و شکل بهتری بگیرد. او بازی خودش در «الامپ ۱۰۰» را تکرار نکرد.» سالور در توضیح چرایی کم رنگ بودن نقش پلیس در فیلم توضیح داد: «قصه «سه کام حبس» قصه پلیس نبود و بیشتر می خواستیم در تار و پود فیلمنامه پلیس نقش پررنگتری داشته باشد.» او در پاسخ به این سوال که چرا شما که به عنوان کارگردانی نوگرا شناخته می شوید، در این فیلم روال

دیگری را طی کردید، گفت: «فکر نمی کنم استفاده از بازیگر یا قصه ای که جذاب باشد، منافاتی با نوگرایی داشته باشد. صحنه های ابتدایی فیلم فرمی است که من دوست دارم. شرایطی برای زن قصه پیش می آید، زندگی اش به قهقرا می رود و ناچار به خرده فروشی مواد می شود.»

نخواستیم از کورسوی امید بگذریم

سالور درباره انتخاب بیمارستان فیلم گفت: «ما بیمارستانی می خواستیم که با فرم فیلم همگن باشد، من چند عکس از بیمارستانی دیدم که در حال بازسازی و نزدیک به فضای فیلم بود. این را هم باید بگویم ما فضای خیلی چرک و به هم ریخته ای نسبت به واقعیت نشان ندادیم و اغراق نکردیم.» او در پاسخ به این انتقاد که چرا هیچ آمیدی در فیلم وجود ندارد، بیان کرد: «ما متهم شدیم که چرا هیچ کورسوی آمیدی در فیلم نگذاشتید، اما زن قصه همه تلاش خود را برای حفظ زندگی اش انجام داد. وقتی در پلان آخر



در تولید همه در کنار هم بودیم

محسن تنابنده در پاسخ به این سوال که چه نقشی در نگارش فیلمنامه داشته است و تجربه بازی با پریناز ایزدیار را چگونه توصیف می‌کند، گفت: «راجع به فیلمنامه، من به همان اندازه در کنار کار بودم که خانم ایزدیار و دیگران بودند. نه تنها قبل از تولید اثر، که در هنگام کار همه در کنار هم بودیم و تمرین‌های قبل از فیلم کمک کرد به خانم ایزدیار نزدیک شوم و ایفای نقش به‌خوبی اتفاق بیفتد. بازی با خانم ایزدیار برای من تجربه خوبی بود.»

ایزدیار: سعی کردم متفاوت و باورپذیر بازی کنم

پریناز ایزدیار درباره چگونگی تجربه همکاری با محسن تنابنده گفت: «تجربه با آقای تنابنده یکی از بهترین اتفاق‌ها و تجربیات دوران بازیگری من بود، چراکه او حواسش به بازیگر مقابل خودش هست و این باعث می‌شود بازیگر با خیال راحت‌تری با نقش ارتباط برقرار کند.» او در پاسخ به این سوال که آیا تلاش کردید از نقش‌های گذشته‌تان دور شوید، گفت: «چیزهایی هستند که به شخصیت واقعی من مربوط می‌شوند و حذف کردن یا تکرار کردنش می‌تواند خوب نباشد. من سعی می‌کنم در نحوه بازی کردنم اغراق وجود نداشته باشد و سعی کردم کاراکتر متفاوتی را بازی کنم که باورپذیر باشد.»

در پایان این نشست سامان سالور درباره مخاطبان فیلم گفت: «اگر فیلم موفق شده و آینه‌ای در برابر جامعه گرفته باشد، مخاطبش همه کسانی هستند که با قصه ارتباط برقرار می‌کنند. به‌خصوص نوجوان‌های ۱۱، ۱۲ ساله‌ای که اعتیاد در پیرامونشان و در هر فضایی که به آن‌ها ربط دارد، وجود دارد. جدای از مردم امیدوارم کسانی هم که می‌توانند قدمی برای رفع مشکلات مردم بردارند، این فیلم را ببینند. افرادی که می‌توانند کاری کنند که ما به هم عشق بدهیم.»

در ابتدای نشست سامان سالور از حضار درخواست کرد به احترام جان‌باختگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی یک دقیقه سکوت کنند و بایستند.

تصویر پاک شدن خال کوبی روی دست نسیم را می‌بینیم، به معنای شروع یک زندگی جدید است. سینما در تلخ‌ترین لحظات نباید از دیدن کورسوی امید بگذرد.» کارگردان (سه کام حبس) در پاسخ به این سوال که چرا برخی از صحنه‌های فیلم تکراری بود، گفت: «ما به نحوی در فیلمنامه نشان دادیم آدمی مثل خانم اردهالی که زندگی نرمالی دارد، به واسطه فرزندش می‌تواند درگیر ماجرای اعتیاد شود. به همین دلیل به نظر شما برخی از این صحنه‌ها تکراری هستند.» سالور در پاسخ به این سوال که سهم همکاری تنابنده و مشارکتش در نوشتن فیلمنامه چه میزان بود، توضیح داد: «تنابنده ایده‌های جذابی داشت که اجرای آن در تولید سخت بود. ما در عنوان بندی هم از ایشان تشکر کردیم، چون او هم فیلمنامه را می‌شناسد و هم بازیگر صاحب ایده‌ای است.»

رنگی که می‌بینید، رنگ جامعه امروز است

مسعود سلامی، مدیر فیلم‌برداری، درباره رنگ فیلم توضیح داد: «کارگردان فیلم به فراخور فیلمنامه تاکید داشت که فیلم رنگ خاصی داشته باشد. سعی کردم رنگ این فیلم شبیه فیلم‌های دیگر نشود و رنگ جدیدی را ببینیم. ما لوکرنگی داشتیم که همیشه روی دوربین سوار بود و بر همین اساس همه چیز انجام گرفت. این رنگی که ما می‌بینیم، رنگ جامعه امروز است و اگر از پنجره نگاه کنیم، رنگ شهر سیاه، سفید و خاکستری است.»

گیشه فیلم‌های اجتماعی در سال‌های اخیر متفاوت شده است

ساسان سالور، تهیه‌کننده فیلم، در پاسخ به این سوال که با توجه به این‌که ممکن است فیلم توجیه مالی نداشته باشد، چرا سرمایه‌گذار حاضر به همکاری با شما شد، گفت: «آقای امین‌پور، سرمایه‌گذار فیلم، دغدغه مالی نداشت و از ابتدا برای ساخت فیلم بحث سودآوری نشد. از سویی، به نظرم در سال‌های اخیر اتفاق‌های خوبی در اکران فیلم‌های اجتماعی رقم خورده است.» او ادامه داد: «اگر فضا و امکانات لازم در اختیار این نوع فیلم‌ها باشد، می‌تواند به فروش خوبی گیشه برسد.»





نشست خبری «قصیده گاو سفید»

فیلمی برآمده از تجربیات

دومین نشست خبری اولین روز جشنواره فیلم فجر سی‌وهشتم به فیلم «قصیده گاو سفید» به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها اختصاص پیدا کرد. غلامرضا موسوی تهیه‌کننده، آروین پوررتوفی بازیگر، پوریا رحیمی سام بازیگر، علیرضا ثانی‌فر بازیگر، مریم مقدم نویسنده و بازیگر، امین جعفری مدیر فیلم‌برداری، عبدالرضا حیدری صدابردار، حسین قورچیان صداگذار، کامران خلج طراح چهره‌پردازی و عطا مهرداد تدوین‌گر از عوامل فیلم در این نشست حاضر بودند. محمود گبرلو اجرای نشست‌های پرسش و پاسخ روز اول جشنواره را بر عهده داشت و رضا درستکار به عنوان منتقد در این نشست حاضر بود.

آرام‌ترین تولید فیلم را در طول ۴۰ سال کاری داشتیم

غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده، در ابتدای این نشست گفت: «گاهی پیش می‌آمد که گروه‌های مختلف تولید فیلم بین ۱۴ تا ۴۸ ساعت مداوم سر فیلم‌برداری حاضر بودند، ولی در تمام این مدت آرامش کار حفظ شد. لازم می‌دانم از تکتک آن‌ها تشکر کنم و بگویم که تولید این فیلم، یکی از آرام‌ترین تولیدات من در ۴۰ سال سابقه کاری‌ام بود.»

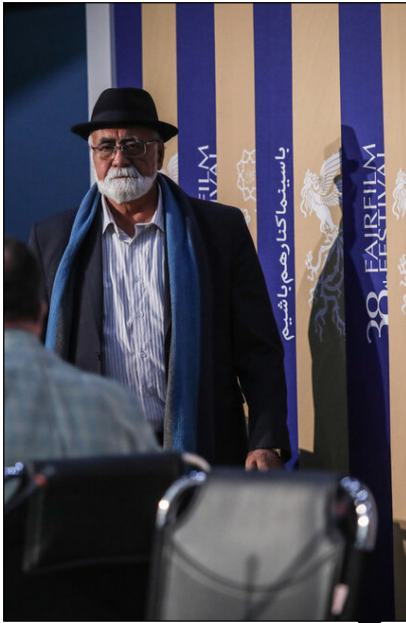
این فیلم به کسی باج نمی‌دهد

رضا درستکار، منتقد، درباره این فیلم بیان کرد: «ما در جامعه خاصی زندگی می‌کنیم و بابت اتفاقاتی که می‌افتد، ناراحت هستیم، چراکه هیچ‌کس از یک امر اثباتی حرف نمی‌زند. در رسانه‌ها به بقیه عادت داده‌ایم که فقط فیلم‌ها را له کنند، ولی به نظر من باید از فیلم‌های خوب تشکر کرد. خیلی سخت است فیلمی را دوست داشته باشی و درباره آن حرف بزنی، آن هم فیلمی که دما و شرایط

امروز جامعه در آن هست.» او ادامه داد: «فیلم را دو بار دیدم و هر دو بار آن را دوست داشتم. زنی را که در چنین فشاری زندگی می‌کند، باید درست ببینیم. این فیلم تلاش می‌کند دمای جامعه را همان‌طور که هست، ببیند و به کسی نیز باج نمی‌دهد.»

هر قانونی می‌تواند ضعف‌هایی داشته باشد

بهتاش صناعی‌ها، نویسنده و کارگردان «قصیده گاو سفید»، درباره این فیلم گفت: «قصه‌ای نوشتیم که شرایط پیرامون قانون اعدام را بنویسیم. هر قانون نقطه ضعف‌هایی دارد که می‌توان درباره آن نوشت و ما نیز سعی کردیم بر این موضوع تکیه کنیم. پرونده‌های زیادی از قبل یا بعد از انقلاب در کشور وجود دارد. مشخصاً نمی‌توانم بگویم فیلم ما بر اساس یک پرونده مطرح است، بلکه این فیلم از چندین پرونده الهام گرفته است.»



تماشای چنین فیلمی ماهه مباحث است. این فیلم محترم است.»
 موسوی در بخش دیگری از این نشست با اشاره به قصه این فیلم گفت: «قصه این داستان اصلا چیز عجیب و غریبی نیست. این اتفاق در ایران نیز افتاده است. اتفاقی که افتاده، اشتباه است و در فیلم نیز توضیحات داده می شود.»

علیرضا ثانی فر، بازیگر، با اشاره به بازی در فیلم «قصیده گاو سفید» گفت: «این نقش اولین تجربه‌ای بود که همراه کارگردان برای انتخاب لوکیشن رفتیم. آقای صنای‌ها به من می‌گفت این‌جا خانه و محل کار توست. من حتی در پیش تولید هر روز در کنار کارگردان بودم. حالا که این فیلم را دوباره نگاه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که حتی بازیگران فرعی نیز درست ایفای نقش کرده‌اند. از تک‌تک عوامل تشکر می‌کنم و دستشان را می‌بوسم.»

بازی کردن در فیلم بهتاش صنای‌ها شانس است

پوریا رحیمی سام، بازیگر این فیلم، با اشاره به همکاری با بهتاش صنای‌ها گفت: «بعد از تماشای این فیلم از دیدگاه شخصی‌ام می‌گویم که عمیقا معتقدم بازی کردن در فیلم بهتاش صنای‌ها شانس است. هر فیلم دیگری که این کارگردان بسازد، دوست دارم در آن، هر چند کوچک، بازی کنم.»

او ادامه داد: «من و خانم مقدم معمولا زمانی که به سراغ یک قصه می‌رویم، سعی می‌کنیم از کسانی که از آن‌ها الهام گرفته‌ایم، بنویسیم. این فیلم همین‌طور است و بر اساس تجربیات ماست و خیلی درگیر موج و این داستان‌ها نبودیم.»

مینازنی است که امیدش راز دست نمی‌دهد

مریم مقدم، نویسنده و بازیگر این فیلم، در بخش دیگری از این نشست با اشاره به نقش خود گفت: «کاراکترها کمی پیچیده بودند و روند شخصیتی دارند که بازیگر باید آن‌ها را در بازی‌اش لحاظ کند. مینازنی است که سختی‌های زیادی می‌گذرد، اما در عین حال پرفردت است و امیدش را از دست نمی‌دهد، عاشق می‌شود و به پایانی که دیدید، می‌رسد.»

قصه ما زیرسوال بردن یک قانون نیست

صنای‌ها در جواب به این سوال که چرا کاراکترها و موضوع فیلم ایرانی نبوده، گفت: «کاراکترن ما ایرانی بود. ما درباره زنی صحبت می‌کنیم که در جریان زندگی به کسی که به او کمک کرده، علاقه‌مند می‌شود.» او هم‌چنین درباره شرایط فیلم در اکران گفت: «فکر نمی‌کنم این فیلم مشکلی در اکران داشته باشد. این اتفاق در هر دوره و زمانی ممکن بود بیفتد. در هر کشوری که چنین قانونی دارد، ممکن است پیش بیاید و مشکلی در آن نمی‌بینم.» صنای‌ها در ادامه گفت: «قصه ما لزوماً زیر سوال بردن یک قانون نیست، هر قانونی نقاط ضعفی دارد و به صورت کامل درست نیست. ما تصمیم گرفتیم باگ‌های یک قانون را به تصویر بکشیم، در جایگاهی نیستیم که به عنوان یک کارگردان سینما بگوییم این قانون خوب است یا بد، اما فقط می‌گویم به این قانون می‌توان کمی بیشتر فکر کرد.»

این فیلم محترم است

در ادامه این نشست درستکار گفت: «همین که فیلم به‌اندازه است و حسن نمی‌کنیم بازیگران دارند فیلم بازی می‌کنند و صداپردازی وجود دارد، حس خوبی به وجود می‌آورد. در سینمایی که دائما به سمت عقب می‌رود،





نشست خبری فیلم «عامه‌پسند»

زنی معمولی که می‌خواست معمولی نباشد

سومین نشست روز اول سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به فیلم «عامه‌پسند» به کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی سهیل بیرقی اختصاص پیدا کرد. حسین جعفریان مدیر فیلم‌برداری، کریستف رضاعی آهنگ‌ساز، مجید کریمی مجری طرح، هوتن شکبیا و باران کوثری بازیگران فیلم و آنتونیا شرکا به عنوان منتقد در این نشست حضور داشتند.

قصة زنی شکست‌خورده و تنها

در ابتدای نشست آنتونیا شرکا در خصوص فیلم گفت: «بعد از دو فیلم «من» و «عرق سرد» که با دو فخرمان سروکار داشتیم، در فیلم سوم آقای بیرقی موضوع فخرمان به آن صورت مطرح نیست. در این فیلم با زن میان‌سال سروکار داریم که در زندگی شخصی‌اش شکست خورده و خصلت مبارزه در او وجود ندارد. این زن می‌توانست در شهر خود بماند و به زندگی‌اش ادامه دهد، اما مهاجرت می‌کند و برای تغییر شرایط زندگی‌اش تلاش مضاعف می‌کند.» او ادامه می‌دهد: «در فیلم، فهمیه با مردهای زیادی سروکار دارد و واکنش‌های مختلفی از او نسبت به آن‌ها می‌بینیم. کارگردان ما را در جایگاهی می‌نشانند و وادارمان می‌کنند که ببینیم سهم ما در مواجهه با سیل زنانی که در این شرایط زندگی می‌کنند، چگونه است.» شرکا با توضیح این‌که ما در فیلم به جز میلاد، مرد دیگری را در قاب نمی‌بینیم، ادامه داد: «میلاد در «عامه‌پسند» همان قدر تنهاست که فهمیه

تنهاست. او به دلیل تنها زندگی کردنش چوب جامعه را می‌خورد و فهمیه نیز به گونه‌ای دیگر تنهاست.» این منتقد با تأکید بر این‌که بیرقی در جاری کردن نگاه زنانه موفق بوده، ادامه داد: «فلاش‌بک‌های مختلفی از نگاه و ساختار زنانه در این فیلم دیده می‌شود که بیرقی این ریسک را در نمایش عمومی به جان خریده است.»

تمرین‌های طولانی داشتیم

باران کوثری در خصوص همکاری با سهیل بیرقی گفت: «به گفته بسیاری از بازیگران آقای بیرقی شیوه‌ای را پیش پای شما می‌گذارد که می‌توانید متفاوت کار کنید. ما تمرین‌های طولانی در این فیلم با یکدیگر داشتیم و بودن هوتن شکبیا تجربه همکاری بسیار خوبی برایم بود. هر چند که من در یک صحنه بیشتر با او بازی نداشتم.» هوتن شکبیا نیز در ادامه گفت: «در تولید این فیلم به قدری همه چیز به‌جا و سر جایش بود که نگرانی‌ای به جز ایفای درست نقش و



با شهر اصفهان دارد و هیچ هویت و اشتراکی با هیچ شهری ندارد. کاش ابتدا شهرضا و لهجه آن را بشناسیم و بعد در این خصوص نظر دهیم.»

جامعه ما نسبت به مادران کم توجه است

بیرقی، نویسنده این فیلم، گفت: «ویژگی روایت غیرخطی که در فیلم شاهد هستیم، مبتنی بر بازیگوشی در صحنه بود که تدوین آن نیز بسیار در این روند موثر بود.» او ادامه داد: «کمترین توجه امروز در جامعه ما، متوجه مادران ماست و ما در حق آن‌ها ظلم می‌کنیم. هیچ‌گاه به آن‌ها در قالب انسان آزاد بودن حق نمی‌دهیم. فیلم به همین علت احساس مرثیه را روایت می‌کند. این زن به این دلیل که عامه‌پسند نیست، از جامعه حذف شد.»

کارگردان می‌داندست چه نوع موسیقی‌ای می‌خواهد

کریستف رضاعی، آهنگ‌ساز این فیلم، نیز در خصوص موسیقی «عامه‌پسند» گفت: «همکاری با بیرقی و نظم و تفکر او کاملا در کار مشهود است و کارگردان این فیلم دقیق می‌داندست چه آهنگی در بخش‌های مختلف می‌خواهد. من ایده‌های دیگری برای این فیلم داشتم و آتودهای مختلفی برای بیرقی فرستادم که او هنگام سناریو نوشتن به این نوع موسیقی که هم‌سو با پرسوناژ فهمیده است، رسیده بود.»

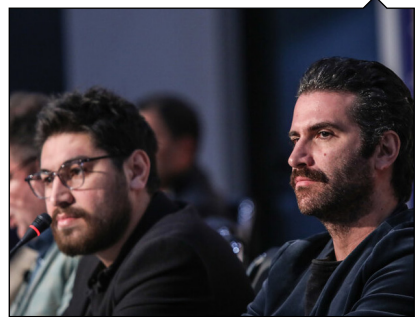
فیلمی درباره زنی معمولی که تصمیم می‌گیرد دیگر معمولی نباشد

بیرقی درباره انتخاب سن کاراکتر زن قهرمان فیلم گفت: «انتخاب سن برای کاراکتر منطق عجیبی نمی‌خواهد و می‌توان با نگاه به شرایط اطراف شخصیت فیلم را انتخاب کرد. فیلم در مورد زنی معمولی بود که تصمیم می‌گیرد دیگر معمولی نباشد.» او ادامه داد: «در جهان بینی من زن معترض وجودش احساس می‌شود و زنان هم‌زمان دچار طغیان دسته‌جمعی هستند.» بیرقی در پاسخ به این سوال که چرا در فیلم تصویر هیچ مردی دیده نمی‌شود و چرا شخصیت میلاد به عنوان تنها مرد نشان داده شد، توضیح داد: «به دلیل علاقه من به سادگی و مینیمالیسم، فیلم پیشنهاد می‌دهد بدون دیدگاه‌های عامه‌پسند بودن شخصیت افراد را تعریف کنیم.»

شخصیت نداشتیم.» او درباره حضور در این فیلم با وجود کم‌رنگ بودن نقش توضیح داد: «من پس از دریافت سیم‌رغ پیشنهاد کم نداشتیم. با وجود استرسی که در انتخاب فیلم بعدی‌ام داشتم، دغدغه فیلم «عامه‌پسند» و هم‌چنین نقشم را دوست داشتم. میلاد نقش سختی بود و سعی کردم با نقش رفاقت کنم.» بیرقی نیز از حضور هر دو بازیگر فیلم تشکر کرد و گفت: «بسیار ممنون هستم که بازیگران فیلمم، فراتر از بازیگر برای من بار بودند. تأثیر تک‌تک عوامل فیلم در جریان آن بسیار مشهود است.»

اوج کارگردانی در سادگی است

بیرقی در ادامه درباره ایستایی فیلم‌برداری گفت: «اوج فیلم‌سازی و کارگردانی برای من در سادگی است و سخت‌ترین نوع ساخت فیلم نیز در سادگی است.» باران کوثری در پاسخ به سوالی درباره لهجه‌اش در فیلم بیان کرد: «سه نفر از دوستان در روند فیلم‌سازی دیالوگ‌ها و لهجه را با من تمرین کردند و سهیل بیرقی خیلی روی درست تلفظ شدن و لهجه این کاراکتر حساس بود.» بیرقی نیز در این ارتباط گفت: «من زادگاهم شهرضاست و تلاش کردیم در این کاراکتر گویش میانه‌ای را انتخاب کنیم. چون گویش این شهر با هر نسل متفاوت شده است.» او هم‌چنین درباره انتقادات در مورد لهجه این فیلم گفت: «لهجه شهرضایی تفاوت زیادی





معرفی فیلم‌های روز دوشنبه در پردیس سینمایی ملت

رمزگشایی از فیلم اول ملکان و انتظار دیدن فیلم تازه بزرگر و خوشبخت

در سومین روز از سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر فیلم اول سعید ملکان در سینمای رسانه روی پرده خواهد رفت؛ فیلمی که جزئیات چندانی درباره آن در دست نیست و باید دید (روز صفر) ملکان مانند اغلب کارهایی که او تهیه کرده، غافل‌گیرکننده است؟ همین‌طور مجید بزرگر و مهرداد خوشبخت هم با آثار تازه خود در روز سوم به سینمای رسانه می‌آیند.

روز صفر

سعید ملکان قصه‌ای پرماجرا را برای ساخت اولین فیلم سینمایی خود در «روز صفر» انتخاب کرده است. ملکان فیلمنامه این اثر را با همکاری بهرام توکلی، کارگردان سینما، نوشته است. نخستین ساخته سینمایی ملکان که گفته می‌شود یک تریلر متفاوت در سینمای ایران است، روایتی متفاوت از یک اتفاق ملتهب معاصر محسوب می‌شود و طی دو ماه در ایران و چند کشور خارجی از جمله آلمان فیلم‌برداری شد. امیرجدیدی و ساعد سهیلی دو بازیگر اصلی فیلم ملکان هستند.

سعید ملکان حالا با «روز صفر» وارد بخش فیلم‌های اول جشنواره فجر شده است و باید دید نتیجه حضور هنرمندی که در دوره‌های قبل تجربه‌های خوشایندی در فجر داشته، امسال چطور خواهد بود؟

ابریارانش گرفته

مجید بزرگر چهارمین فیلم سینمایی‌اش را در حال‌وهوای آثار قبلی‌اش جلوی دوربین برده است. «یک شهروند کاملاً معمولی»، «پرویز» و «فصل باران‌های موسمی» فیلم‌های قبلی این کارگردان هستند که همه شخصیت‌محورند. قصه زندگی آدم‌ها و فضاسازی اطراف آن‌ها مهم‌ترین نکاتی‌اند که وقتی از سالن سینما بیرون می‌آیی، از فیلم‌های این کارگردان در خاطرت می‌ماند.

اغلب لوکیشن‌های این فیلم در تهران و شمال بوده است. نازنین احمدی، مزدک میرعبادی، علی ثانی‌فرو و ارشیا نیک‌بین در این فیلم بازی کرده‌اند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده: سارا، پرستار ۳۵ ساله و مجرب، به بیمارانش کمک می‌کند تا آرام شوند، حتی آن‌ها که امیدیه به زنده ماندنشان نیست.

آبادان یازدهم

مهرداد خوشبخت فیلم‌سازی را از سال ۸۴ با ساخت فیلم «جای او دیگر خالی نیست» آغاز کرد و «صدای پای من» و «عقاب صحرای» را هم به ترتیب در سال‌های ۸۹ و ۹۱ مقابل

دوربین برد. خوشبخت بعد از هشت سال از ساخت فیلم «عقاب صحرای»، امسال تصمیم گرفت فیلم جدیدش (آبادان یازدهم) را بسازد تا در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر در کنار دیگر فیلم‌ها حضور داشته باشد. این فیلم به شروع جنگ ایران و عراق می‌پردازد. خوشبخت علاوه بر کارگردانی، نویسندگی جدیدترین فیلمش را هم خودش برعهده داشته است. در خلاصه داستان «آبادان یازدهم» آمده: «مردم غیور آبادان... شهر در آستانه سقوط قرار گرفته است!» علی‌رضا کمالی، حسن معجونی، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی، نادر سلیمانی، ویدا جوان، یاسین مسعودی و رضا مسعودی در این فیلم بازی کرده‌اند و حسن کلامی تهیه‌کننده فیلم است.

جایی برای فرشته‌ها نیست

سام کلانتری که متولد ۱۳۵۵ تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد فیلم‌سازی از دانشگاه دوبلین است، در «جایی برای فرشته‌ها نیست» سراغ ماجرای ورزشی رفته است. فیلم درباره تیم ملی دختران اسکیت هاکای ایران و مشکلات پیچیده آنان در راه مسابقات آسیایی کره جنوبی است. فدراسیون توانایی تامین هزینه این تیم را ندارد و این موضوع ماجراهایی را سبب می‌شود.

کلانتری که برنده جوایز کارگردانی و فیلم‌برداری از جشن‌ها و جشنواره‌های مربوط به سینمای مستند است، مستندهایی چون «از خانه شماره ۳۷»، «مانکن‌های قلعه حسن‌خان» و آثاری دیگر را کارگردانی کرده است.

امتحان

سونیا حداد متولد سال ۶۷ و دارای مدرک کارشناسی ارشد سینماست. او فیلم کوتاه «امتحان» را در سال ۱۳۹۸ مقابل دوربین برد. در خلاصه داستان این فیلم آمده: صدف از صبح در تپ و تاب امتحان مدرسه‌اش به سر می‌برد، ولی روز امتحان، شرایطی معمولی برایش رقم نخواهد خورد. صدف عسگری، حدیث میرامینی، مسیح کاظمی، الهه افشاری و هوتن پارسا در این فیلم بازی می‌کنند.

گفت‌وگو با محمد کارت، کارگردان «شنای پروانه»

فیلم اگر خوب باشد، خودش یقه مخاطبش را می‌گیرد

گفت‌وگو با بهرنگ دزفولی‌زاده، کارگردان «بی‌صدا حلزون»

قصه‌ای از کشمکش‌های دنیای ناشنویان

گفت‌وگو با مرتضی فرش‌باف، کارگردان

واقعیت فیلم من از دل سینما می‌آید نه اجتماع





عوامل

فیلمنامه‌نویس: محمد کارت، حسین دومازی و پدram پورامیری، مدیر فیلمبرداری: سامان لطفیان، چهره‌پرداز: عظیم فراین، طراح صحنه: سعید حسنلو و محمد کارت، طراح لباس: غزاله معتمد، تدوین: اسماعیل علیزاده، صداپرداز: مهدی صالح کرمانی، صداگذار: آرش قاسمی، موسیقی: مسعود سخاوت‌دوست، جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقابیک، جلوه‌های ویژه بصری: امیر سحرخیز، عکاس: فتاح‌ذی‌نوری

بازیگران: جواد عزتی، امیر آقایی، طنز طباطبایی، پانته آ بهرام و با حضور علیرضا دادزاد

خلاصه داستان

در جنوب شهر، شنای پروانه طوفان به پا می‌کند...



گفت‌وگو با محمد کارت، کارگردان «شنای پروانه»

فیلم اگر خوب باشد، خودش یقه مخاطبش را می‌گیرد

زهرا نجفی

محمد کارت با اولین فیلم بلند داستانی‌اش، «شنای پروانه»، در بخش نگاه نو و سودای سیمرغ سی‌وهشتمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور دارد، فیلمی که مطمئناً برای کسانی که فیلم‌های مستند و کوتاه او را دنبال کرده‌اند، کنج‌گاو برانگیز است. او در سال‌های اخیر کم‌جایزه نگرفته است، از همین جشنواره ملی فیلم فجر دو سیمرغ فیلم کوتاه و مستند را با خودش به خانه برده است. بنابراین می‌شود انتظار داشت فیلم «شنای پروانه» جزو رقیبان اصلی سیمرغ بلورین باشد. فیلم در سکوت خبری ساخته شده است و آن‌طور که خود کارت توضیح می‌دهد، پروسه تولید بسیار برنامه‌ریزی شده و جمع‌وجور بوده است؛ تجربه‌ای که از ساخت آخرین فیلم کوتاه داستانی‌اش، «بچه‌خور»، به دست آورده بود. در سال‌های اخیر کارگردانان شناخته‌شده دیگری هم در حوزه مستندسازی مانند محمدحسین مهدویان بوده‌اند که وارد سینمای داستانی شده‌اند و فیلم‌های خوبی هم ساخته‌اند. با محمد کارت درباره این تغییر راه صحبت کردیم. درباره تأثیر سینمای مستند بر سینمای داستانی، این‌که چطور این پروسه برای او اتفاق افتاد و آیا این مسیر را ادامه خواهد داد.

هنوز هم در حال جایزه گرفتن از جشنواره‌های خارجی است. خودتان این مسیر را چطور ترسیم می‌کنید؟ این همان راهی بود که از ابتدا می‌خواستید بروید؟ می‌خواستید به سینمای بلند داستانی برسید؟

طبیعتاً مسئله من سینماست. سینما را به هر شکلی از هم جدا نمی‌بینم. اما از ابتدای ورودم به این حرفه، همه تلاشم این بوده که در هر مسند و رشته‌ای از سینما که قرار

با این‌که شما با اولین فیلم بلند داستانی‌تان، «شنای پروانه»، در بخش نگاه نو سی‌وهشتمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور پیدا کرده‌اید، کارنامه پرپیامانی دارید که حساب شما را از کارگردان اولی بودن جدا می‌کند. با بازیگری کارتان را شروع کرده‌اید و بارها مستندهای کوتاه، نیمه‌بلند و بلند ساخته‌اید که در جشنواره‌های مختلف جایزه گرفته‌اند و آخرین فیلم کوتاه داستانی شما، «بچه‌خور»،





است حضور داشته باشم، به بهترین شکل ممکن اتفاق بیفتد و بهترین خودم را رو کنم تا حضورم معمولی نباشد. با این هدف تمام مشق‌هایی را که تا کنون انجام داده‌ام، پیش برده‌ام. ساخت فیلم بلند داستانی را از همان ابتدای فیلم‌سازی‌ام در نظر داشتم که با فیلم «شنای پروانه» اتفاق افتاد.

چرا این اتفاق زودتر نیفتاد؟

چون معتقد هستم پله‌پله باید جلورفت. این طوری جای آدم محکم‌تر است تا این‌که یک‌دفعه پرش کند. سعی کردم در این مسیر هر کدام از این پله‌ها، پله‌هایی باشند که بشود برگشت و به آن‌ها با افتخار نگاه کرد. وقتی به کارهایی که انجام داده‌ام، نگاه می‌کنم، می‌توانم بگویم برای همه آن‌ها در موقعیت خودشان تمام تلاشم را کردم تا بهترین من باشند و از هیچ‌کدامشان آسان نگذشتم. حتی اگر تیزر ساخته‌م، سعی کرده‌م به بهترین شکل ممکن آن را بسازم و هیچ‌وقت این‌طور نبوده است که بعضی از کارهایم را بی‌دغدغه انجام دهم. هر فیلمی که ساختم، با این فکر ساختم که آخرین فرصت من است.

فیلم‌هایی که از شما دیدم، چه فیلم کوتاه و چه مستند، همیشه مسائل و معضلات اجتماعی را مطرح می‌کردند، بنابراین حدس می‌زنم «شنای پروانه» هم در ادامه همان دغدغه‌ها ساخته شده باشد. به خصوص که فضای محتوایی و لوکیشن‌های فیلم جنوب شهر است. این دفعه به سراغ چه معضل اجتماعی رفته‌اید؟

فیلم «شنای پروانه» مسئله‌ای اجتماعی را مطرح می‌کند

که در بافت جنوب شهر اتفاق می‌افتد. این فیلم درباره سبک زندگی آدم‌هایی است که قبلا در مستندهایم به آن‌ها پرداخته بودم. در همین راستا با حسین دوماری و پدram پورامیری همراه شدیم که منجر به این فیلمنامه شد. البته مسئله‌ای که فیلم بیان می‌کند، در اقلشار مختلف جامعه قابل بررسی است و مختص به طبقه فرودست نیست؛ فیلمنامه‌ای پرشخصیت و پرلوکیشن که با همراهی آقای رسول صدرعاملی، سیدمازیا هاشمی و حمایت آقای محمدصادق زنجکشان به عنوان سرمایه‌گذار اجرایی شد. تک‌تک عوامل این فیلم همه با تمام وجود و توانمندی‌شان در طول ساخت فیلم کار می‌کردند تا فیلمی آبرومند ساخته شود. چیدمان همکارانم در این فیلم برایم بسیار جذاب و دل‌نشین بود. «شنای پروانه» با تمام ضعف‌ها و قوت‌هایش ماحصل این است که تیم سازنده با هم، نه‌تنها هم‌دل، بلکه هم‌خون بودند؛ عواملی جوان که به اندازه خودم کیفیت فیلم برایشان اهمیت داشت. این فیلم درباره مردم، از بطن مردم و برای مردم ساخته شده است. امیدوارم در بازخوردها لایق این تعبیر باشد.

روند تولید «شنای پروانه» چگونه اتفاق افتاد؟

ساخت این فیلم در حالت عادی حداقل باید دو ماه پیش‌تولید می‌داشت و در ۷۰ تا ۸۰ جلسه فیلم‌برداری می‌شد، اما با یک تیم، گروه پارتریزان و مدیریت‌شده، در ۲۵ جلسه پیش‌تولید آن انجام شد و در ۵۱ جلسه فیلم‌برداری آن به اتمام رسید.

چطور با این فیلمنامه پرشخصیت و پرلوکیشن در این

کنجکاو برانگیزتر است. آدم‌های حاشیه جامعه، آن‌هایی که زندگی‌شان برخلاف آرزوهایشان است، برایم جذاب‌ترند. چون آن‌ها را بیشتر می‌فهمم. پس سعی می‌کنم چیزی را که می‌فهمم، بیشتر تصویر کنم. به همین دلیل فیلم‌هایم بیشتر به این سمت می‌روند.

■ شما در چندین فیلم سینمایی و کوتاه داستانی به عنوان بازیگر در سال‌های قبل حضور داشتید. آیا هم‌چنان برایتان بازیگری جذاب است؟ چرا در فیلم خودتان بازی نکردید؟

هم‌اکنون اولویت من در سینما بازیگری نیست. در بدو ورودم به سینما به بازیگری علاقه داشتم. البته فکر می‌کنم اغلب کسانی که وارد سینما می‌شوند، در بدو ورود تنها به بازیگری علاقه‌مندند. اما بعدتر بر اثر جبر یا اختیار راه خودشان را پیدا می‌کنند. البته هنوز هم بازیگری متفاوت را دوست دارم. ولی حالا به اختیار و انتخاب، اولویت من کارگردانی است. تجربیات بازیگری‌ام به من در هدایت بازیگران به شدت کمک می‌کند.

■ تجربیات خوبی در سینمای مستند داشتید و تقریباً تمام فیلم‌هایتان به نوعی موفق بودند. سینمای مستند در ساخت اولین فیلم سینمایی‌تان چقدر تاثیرگذار بود؟ به شدت معتقدم همین اندک چیزی که از سینما می‌فهمم، ماحصل تجربیاتم در مستندسازی است.

■ راهتان را چطور ادامه می‌دهید؟ فیلم‌سازی چندوجهی خواهید ماند، یا ادامه کارتان را در سینمای داستانی خواهید دید؟

نمی‌توانم پیش‌بینی کنم. اما همان‌طور که گفتم، همه تلاشم این بوده تا همه مشق‌هایی را که انجام می‌دهم، بر اساس این روحیه باشد که این آخرین فرصت من است. وقتی «شنای پروانه» را می‌ساختم، به عنوان اولین فیلم سینمایی داستانی‌ام به آن نگاه نکردم، بلکه در روزهای ساختش، آخرین فیلم زندگی‌ام می‌دانستمش؛ شاید سه ماه دیگر متوجه شوم چه اشتباهاتی داشتم و کاش فلان کارها را در آن انجام ندادم بودم، یا می‌دادم، اما تا الان که بهمن ماه ۹۸ است، این تمام توان من است. امیدوارم این تمام توان من برای مخاطب هم جذاب باشد و بر او اثر بگذارد.

■ شما کارگردانی هستید که تاکنون دو بار برنده جایزه جشنواره ملی فیلم فجر شده‌اید؛ یک بار سال گذشته برای فیلم کوتاه «بچه‌خور» و یک بار دیگر هم برای مستند سینمایی «بختک». برای مستند «آوانتاز» هم کاندیدای سیمرغ بوده‌اید و سیمرغ جشنواره جهانی فجر را هم گرفته‌اید. چقدر دریافت سیمرغ مسئله شماست؟ برای من تنها ساخت فیلمی که تماشاگر دوستش داشته باشد، اهمیت دارد. همیشه هم تلاشم را کرده‌ام که اکثریت فیلم‌هایم را بفهمند نه اقلیت؛ تماشاگر متخصص و مردم کوچه و بازار به اندازه حال و درک خود با کارم همراه شوند. برای آینده فیلمم نقشه نمی‌کشم، فیلم اگر خوب باشد، خودش یقه مخاطبش را می‌گیرد.

زمان محدود پیش‌تولید و تولید را انجام دادید؟

فارغ از همراهی تمام قیدتکنک عوامل و بازیگران، بالا رفتن سرعت ما در تولید فیلم به خاطر این بود که در همان ۲۵ روز پیش‌تولید با همراهی سامان لطیفان، مدیر فیلم‌برداری، اسماعیل علیزاده، تدوین‌گر فیلم، و پوریا هادی‌زاده، طراح استوری برد، کل فیلم را دو روز قبل از فیلم‌برداری آماده کردیم؛ یعنی همه عوامل و بازیگران فیلم می‌دانستند که قرار است سر صحنه از ابتدا تا پایان چه کاری انجام دهند و فیلم با چه پلان‌ی شروع و با چه پلان‌ی پایان می‌یابد. این مهندسی ساختاری است که قبلاً هم در ساخت فیلم «بچه‌خور» استفاده کرده بودیم و به ما کمک کرد در روزهای فیلم‌برداری به جزئیات دقت کامل داشته باشیم و تلاش کنیم همه بر اساس این نقشه راه به‌درستی پیش برویم. در پروسه ساخت این فیلم تمام تلاشم را کردم که وقت و انرژی هیچ‌کسی بیهوده تلف نشود؛ چه عوامل، چه تماشاگران.

■ کمی بیشتر درباره ایده اصلی فیلمنامه توضیح دهید. خلاصه داستانی که از فیلم منتشر شده است، مبهم است. «شنای پروانه» قصه‌ای شهری و روایتی قهرمان‌محور دارد. با پخش شدن یک فیلم خصوصی، حادثه محرکی ایجاد می‌شود تا در قشر جنوب شهر مسائلی را واکاوی کند که اقشار و سطوح مختلف جامعه با آن‌ها درگیرند. مضامینی که مبتلا به جامعه امروز است. این فیلم نگاه توریستی به جامعه جنوب شهری ندارد.

■ این موضوعات اجتماعی از کجا در محمد کارت شکل می‌گیرد و به دغدغه‌اش تبدیل می‌شود؟

یک چیز شخصی است. هر فیلم‌سازی بر اساس زیست و ذات خودش فیلم می‌سازد. برای من تصویر کسی که می‌خواهد با یک سیخ از صندوق صدقات پول دربیارد، از تصویر فردی که در بالکن برجش ایستاده و رو به شهر سیگار می‌کشد،





گفت‌وگو

فصلنامه

روایت‌های مجرای سراسر و هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم فجر



عوامل

فیلمنامه نویس: محمدرضا رهگذر، مدیر فیلمبرداری: محمدرضا جهان‌پناه، چهره‌پرداز: سودابه خسروی، طراح صحنه و لباس: افسانه صمنزاده، تدوین: سپیده عبدالوهاب، صداپرداز: مهدی ابراهیم‌زاده، صداگذار: حسین ابوالصدق، موسیقی: رضا شبیری، جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقاییک، جلوه‌های ویژه بصری: امین انتشاری، عکاس: مریم‌مجد بازگران، هانیه توسلی، محسن کیایی، مهران احمدی، پدram شریفی، علیرضا جلالی تبار، بهنوش بختیاری

خلاصه داستان

یک زن بین احساس و منطقش در حال تصمیم‌گیری است.



گفت‌وگو با بهرنگ دزفولی‌زاده، کارگردان «بی‌صدا حلزون»

قصه‌ای از کشمکش‌های دنیای ناشنوایان

زهرا نجفی

بهرنگ دزفولی‌زاده بیشتر به عنوان عکاس شناخته می‌شود. هر چند که به قول خودش، از سال ۷۹ فیلم‌سازی‌اش را آرام‌آرام در کنار عکاسی پیش برده است. ولی انگار فیلم‌سازی برایش عرصه مقدس‌تری است که اعتقاد دارد باید طی زمان شکل بگیرد و پخته شود. به همین دلیل است که بعد از نزدیک به ۲۰ سال اولین فیلم بلندش، «بی‌صدا حلزون»، را کارگردانی کرده است. دنیای ناشنوایان دنیای کمتر دیده‌شده‌ای در سینمای ایران است و به غیر از پوران درخشنده، فیلم‌ساز دیگری به شکل جدی وارد آن نشده است. با بهرنگ دزفولی‌زاده درباره تأثیر دنیای عکاسی بر فیلم‌سازی‌اش و نکات برجسته فیلم او صحبت کردیم که در بخش نگاه نوس‌وهشتمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور دارد.

به من دید دیگری داد و باعث شد بهتر ببینم و نگاهم نسبت به محیط اطرافم حساس‌تر شود. چون عکاسی خبری و عکاسی سینما تلفیقی از تمام دوره‌های مختلف عکاسی است. عکاسی به من این امکان را داد تا نگاه متفاوت‌تر و جست‌وجوگری نسبت به محیط اطرافم داشته باشم. اعتقاد هم ندارم که در سینمای مدرن امروز همه چیز فریم و عکس است. این‌طور نیست که شما وقتی چند عکس خوب داشته باشی، می‌توانی فیلم خوبی بسازی. این تصاویر متحرک هستند که روی ساخت فیلم تأثیر می‌گذارند. **این‌که بعد از گذشت ۲۰ سال و بعد از ساخت ۹ فیلم**

شما فیلم‌سازی هستید که از دنیای عکاسی، به خصوص عکاسی سینما و عکاسی خبری پای به فیلم‌سازی گذاشته‌اید. به نظرتان کدام وجه فعالیت‌های عکاسی شما بیشتر روی فیلم‌سازی‌تان تأثیر گذاشته است؟ از ابتدا می‌خواستید فیلم‌ساز شوید؟

من از زمانی که وارد هنرستان شدم و شروع به خواندن سینما کردم، به کارگردانی و فیلم‌سازی فکر می‌کردم. در واقع ساخت فیلم «بی‌صدا حلزون» بعد از یک دورخیز ۲۰ ساله اتفاق افتاد. در طول این دوران هم فیلم کوتاه ساختم و هم مستند، و فکر می‌کنم عکاسی سینما و عکاسی خبری

فصلنامه
پوشش مجاری‌سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر
گفت‌وگو





کوتاه و مستند، اولین فیلم بلندتان را ساختید، چه معنایی در جهان شما دارد؟ شما به پله پله بالا رفتن اعتقاد دارید؟ بله، من اعتقاد دارم همه چیز باید پخته شود و در گذر زمان شکل بگیرد. چون بهترین اتفاق در طول زمانی که طی شده است، می‌افتد؛ بنابراین فیلم‌سازی من در گذر زمان روزه‌روز پخته‌تر شد. پروسه فیلم‌سازی برای من همیشه همین‌طور بوده است، طی زمان شکل گرفته و همه چیز قوام پیدا کرده است. حتی برای نوشتن فیلمنامه «بی‌صدا حلزون» که در ابتدا فیلمنامه دیگری بود و بعد تغییر کرد، نزدیک به پنج سال زمان گذاشتم. تا این‌که به نتیجه رسیدیم که می‌شود این‌ قصه را ساخت.

■ علاقه شما به موضوعات اجتماعی از همان مشغله عکاسی می‌آید، یا دغدغه شخصی خودتان است؟

اتفاقی شکل گرفته است. زیست‌محیطی که در آن زندگی کردم، مرا به این سمت برده است. من تمام فیلم‌های سینمای ایران را دیده‌ام و بعد از مدت‌ها احساس کردم سینمای امروز ایران چنین قصه‌ای نیاز دارد و به موضوع ناشنوایان و مسائل و مشکلات آن‌ها پرداختم. همیشه همین‌طور بوده‌ام، در طول زندگی‌ام هر موضوع یا مسئله‌ای که احساس کردم نیاز به حمایت دارد، با توجه به منزلت اجتماعی خودم تلاش کردم از آن حمایت کنم. عکاسی هم به من نگاه جزئی‌بین داد و باعث شد احساس کنم ساخت این فیلم می‌تواند در جامعه تاثیر بگذارد، منجر به فرهنگ‌سازی شود و بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی‌مان را یادآوری کند.

■ در مورد ناشنوایان چطور؟ می‌دانم که چند وقتی است همکاری‌هایی با انجمن ناشنوایان داشته‌اید، این همکاری‌ها بود که منجر به ساخت فیلم «بی‌صدا حلزون» شد؟

قبلا هم در حوزه معلولیت مستند داستانی ساخته‌ام و همیشه درباره قدرت و توانمندی‌های معلولین در فیلم‌هایم صحبت کرده‌ام، اما نسبت به حوزه ناشنوایان اطلاعات کمتری داشتم. زمانی که نویسنده فیلمنامه ناشنوایان را وارد قصه کرد، شاخ‌های من تیزتر شد و باعث شد پنج، شش ماه درباره ناشنوایان تحقیق کنم. در انجمن ناشنوایان، آن‌ها روزهای مخصوصی برای ملاقات همدیگر دارند. چون ارتباط عادی برقرار کردن برایشان مشکل است. من به مدت یک سال هر هفته در آن روزها به انجمن ناشنوایان می‌رفتم و با آن‌ها صحبت می‌کردم. از این صحبت‌ها فیلم گرفته می‌شد و از زیست خود ناشنوایان بود که قصه «بی‌صدا حلزون» شکل گرفت.

■ آیا این اختلاف نظر واقعا در دنیای خودشان به همین پرنگی است که در فیلم می‌بینیم؟ آیا پایان‌بندی فیلم را باید پیشنهاد فیلم‌ساز به ناشنوایان تلقی کنیم؟

پایان‌بندی فیلم از ابتدا همین‌که دیدید، نبود. بعد از چند ماه تحقیق، پایان آن تغییر کرد و این تغییر از دنیای خود آن‌ها اتفاق افتاد. این اختلاف نظر بر سر شنوا شدن یا ناشنوا ماندن واقعا در دنیای خودشان جدی است. همین‌طوری فکر می‌کنند و فاصله زیادی بین ناشنوایی و شنوایی برایشان وجود دارد. نمی‌خواستم چیزی را برای آن‌ها تعیین کنم، هرگز نظرم این نبوده است. سعی کردم آن را به عنوان پیشنهاد اعلام کنم و به آن‌ها بگویم می‌توانید به این شکل هم به شنوا شدن نگاه کنید و گارد بسته‌ای نسبت به آن‌هایی که می‌خواهند شنوا شوند، نداشته باشید.

■ با توجه به تحقیقاتی که درباره ناشنوایان داشتید، فکر می‌کنید در حال حاضر موضوع فیلم، مهم‌ترین مسئله زندگی ناشنوایان جامعه ماست؟



موقع اتفاق افتاد. اگر قصه فیلم به شکل خطی روایت می‌شد، دیگر نمی‌توانست به بافت شخصیت‌پردازی کمک کند و قصه‌ای تاثیرگذار بر جای بگذارد.

■ درباره صدای فیلم صحبت کنید. این ایده که وقتی دوربین از زاویه دید شخصیت ناشنوا قصه را روایت می‌کند، صداهای اطراف را مانند او بشنویم، از چه زمانی شکل گرفت؟
 قبل از فیلم‌برداری تمام عوامل فیلم از جمله بازیگران، صداگذار و صداپرداز تست شنوایی دادند. هم برای این‌که سلامتی خودشان را چک کنند و هم متوجه شوند یک ناشنوا چقدر می‌شنود. در مراحل تدوین و صداگذاری با حضور دکتر رضازاده و راضیه علم‌بیگی که به عنوان مشاوران علمی با فیلم همراه بودند، صداهای فیلم شکل گرفت. خلایق خوب صداگذار و تعاملی که داشتیم، منجر به این اتفاق شد که البته پروسه‌ای طولانی داشت.

■ انتخاب بازیگران چطور اتفاق افتاد؟ قبلا با هانیه توسلی همکاری‌هایی داشته‌اید. انتخاب او برای این نقش به همین دلیل بود؟ درباره محسن کیایی چطور؟ فکر نمی‌کنید حضور بهنوش بختیاری چندان اثرگذار نبود؟ یا بازی مهران احمدی تکرار نقش‌های قبلی‌اش بود؟

انتخاب بازیگران در پروسه‌ای چهارماهه اتفاق افتاد. در این پروسه با خیلی از بازیگران خوب سینما صحبت کردیم که شرایط حضورشان ایجاد نشد. برخی ترس‌هایی برای ایفای این نقش داشتند، چون شرایط و پیچیدگی خاص خودش را داشت. اگر بخواهم صریح بگویم، به سراغ بازیگرانی رفته‌ام که تکلیفشان با بدن و دست‌هایشان مشخص بود و به راحتی می‌توانستند آن‌ها را حرکت دهند. مخصوصا بازیگرانی که از دست‌هایشان در ایفای نقش استفاده می‌کردند. فکر می‌کنم پدram شریفی یکی از سخت‌ترین نقش‌ها را داشت، چون شنوایی بود که باید با ناشنویان اطرافش ارتباط برقرار می‌کرد. درباره خانم بختیاری هم او از بازیگرانی است که دوست دارد شرایط مختلف را تجربه کند و در قالب‌های مختلفی قرار بگیرد. ریسک‌پذیری او برایم قابل احترام بود. خودش دوست داشت در این فیلم با زبان اشاره صحبت کند. او در نگاهش معصومیتی دارد که برای اجرای نقشش خوب بود. محسن کیایی جزو بازیگران ریسک‌پذیر و خلاق است. در واقع شناسی که آوردم، همکاری با گروهی از بازیگران جسور و خلاق در این فیلم بود. کیایی و هانیه توسلی، حتی گویش ناشنویان را هم یاد گرفتند. هانیه توسلی تمرین بسیاری داشت. حتی به خاطر تلاشش برای یادگیری گویش ناشنویان، تارهای صوتی‌اش در طول اجرای این نقش آسیب دید. ولی در مورد مهران احمدی مثل شما فکر نمی‌کنم. به نظرم یکی از متفاوت‌ترین چهره‌های بازیگری سال‌های اخیرش را داشت. او بازیگر پرتلاش و دوگانه‌ای است که هم در نقش‌های جدی خوب می‌درخشد و هم در نقش‌های طنز. او جزو بازیگرانی است که توانست دوگانگی نقش را تا پایان فیلم حفظ کند.

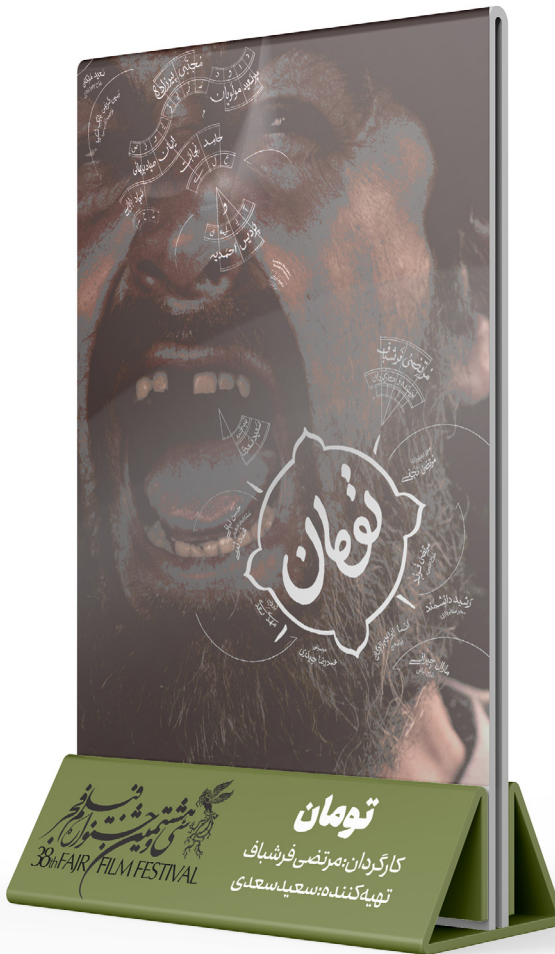
من اعتقاد دارم همه چیز باید پخته شود و در گذر زمان شکل بگیرد. چون بهترین اتفاق در طول زمانی که طی شده است، می‌افتد؛ بنابراین فیلم‌سازی من در گذر زمان روزبه‌روز پخته‌تر شد

ناشنویان مسائل بسیاری دارند که در قالب یک فیلم سینمایی نمی‌گنجد و باید این مسائل را در قالب مجموعه‌ای نشان داد. شاید خودم این مجموعه را بسازم. فکر می‌کنم بر اساس درام قصه و ایجاد جذابیت برای مخاطب شنوای سینما، مسئله‌ای که در فیلم «بی‌صدا حلزون» مطرح می‌شود، جذابیت و کشمکش لازم را داشت؛ قصه‌ای که پل احساسی بین ناشنویان و شنوایان برقرار می‌کند و یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای ناشنویان را مطرح کرده. به همین دلیل این موضوع را در اولویت قرار دادم. وگرنه آن‌ها مسائل مهم و جدی دیگری هم دارند، مانند تنهایی که تجربه می‌کنند و در فیلم هم به آن اشاره شد.

■ پلان اول فیلم از میانه قصه انتخاب شده بود و بعد از آن مخاطب با فلاش‌بکی طولانی همراه می‌شود تا به ماجرای ابتدای فیلم برسد. این روند در فیلمنامه بود یا روی میز تدوین اتفاق افتاد؟ فکر نمی‌کنید اگر این پلان را جابه‌جا نمی‌کردید، اتفاقی در روند قصه فیلم نمی‌افتاد؟

بخشی از سینما در ایجاد جذابیت و درام است؛ درام ارسطویی. در توانایی درگیر کردن مخاطب با قصه و نشان دادن پازلی به‌هم‌ریخته که او را درگیر فیلم کند. ساختار روایی فیلم در فیلمنامه اتفاق افتاد. چون من قبل از فیلم‌برداری جلسات متعددی با تدوین‌گر فیلمم داشتم و اکثر تغییرات همان





عوامل

فیلمنامه نویس: مرتضی فرشایف، مدیر فیلمبرداری: مرتضی نجفی، چهره پرداز: سعید ملکآن، طراح صحنه: مرتضی فرید، طراح لباس: مارال جیرانی، تدوین: مهدی سعیدی، صدابردار: رشید دانشمند، صداگذار: امین شریفی، موسیقی: محمدرضا حیدری، جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقابیک و رضا ترکمان، جلوه‌های ویژه بصری: محمدرضا حیدری، عکاس: مجتبی نجفی
بازیگران: میرسعید مولویان، مجتبی پیرزاده پردیس احمدیه، ایمان صیادبرهانی و حامد نجابت

خلاصه داستان

داود و عزیز کارگردان کارخانه شیر هستند که برای رسیدن به موقعیت مالی و اجتماعی بهتر دل به برنده شدن در شرط بندی فوتبال بسته‌اند.



گفت‌وگو با مرتضی فرشباف، کارگردان

واقعیت فیلم من از دل سینما می‌آید نه اجتماع

نژاد بیگانیان

«تومان» سومین فیلم بلند مرتضی فرشباف است که او را با فیلم‌های «سوگ» و «بهمن» می‌شناسیم. «بهمن» در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و «تومان» هم امروز اولین نمایشش در سینما ملت برای اهالی رسانه و منتقدان را پشت سر می‌گذارد. فرشباف در تجربه جدیدش سراغ معضلی اجتماعی رفته و به موضوعی پرداخته که شاید کمتر کارگردانی سراغ آن رفته است. او به عنوان یک کارگردان جوان معتقد است در سینما باید به دنبال جست‌وجو و کشف ایده‌های تازه و نو بود و برای همین هم با وجود گزیده‌کار بودنش به دنبال سوژه‌های جدید است. جغرافیای «تومان» در گنبد است؛ محلی که فرشباف در آن جا بزرگ شده و تجربیات زیسته زیادی در آن جا دارد. این کارگردان در گفت‌وگو با فجرنامه از جزئیات فیلمش گفته است.

مسیر شکل‌گیری شخصیت‌ها در همین منطقه بوده، با اقلیم خاص و منحصر به فردش که خیلی ارتباطی با بقیه مناطق ایران ندارد. این مردم روحیه، فرهنگ، زبان و طرز فکر خاص خودشان را دارند که همیشه آن‌ها را تحسین می‌کردم. ویژگی‌های منحصر به فردشان این اقلیم را خاص کرده. علاوه بر این، گنبد تنها منطقه در ایران است که همیشه به خاطر عشق زیاد مردم ترکمن صحرا به اسب، مکانی برای مسابقات اسب‌سواری بوده و لاین‌های پیش‌بینی برای مسابقات اسب‌سواری در این منطقه وجود داشته. نکته جالب این‌که

■ مخاطب در فیلم سینمایی «تومان» با چه فضایی روبه‌رو می‌شود و چه قصه‌هایی را دنبال می‌کند؟ آن چه در خلاصه قصه فیلمتان آمده، این است که «تومان» معضلی از جامعه را روایت می‌کند. برایمان می‌گوید که تم و فضای اصلی فیلم چیست؟

قصه دو خطی «تومان» در نگاه اول، تم اجتماعی آشنایی دارد. اما جغرافیای خاص فیلم (ترکمن صحرا) نقطه تمایز آن با دیگر فیلم‌های رئالیستی - اجتماعی سینمای ماست. من در گنبد به دنیا آمده‌ام و تجربه زیسته‌ام در این جغرافیا، در





را می‌دانم، خودم را باخته‌ام. برای مثال پروژه بعدی من در دورترین نقطه از فیلمی که الان ساختم قرار دارد؛ فیلمی درباره سهراب شهیدتالاب. در واقع پرتره‌ای از ایشان.

■ **وضعیت حال حاضر سینمای ایران، چقدر این شرایط را برای یک فیلم‌ساز فراهم می‌کند که بتواند در فضای شخصی و مورد علاقه خودش فعالیت کند و فیلمش را بسازد؟**

در این میان به نظر من دو مانع بسیار مهم وجود دارد. برای فیلم‌سازهای هم‌نسل من و جوان‌ترها یک مسئله بسیار عجیب به اسم پروانه ساخت سینمایی هست. عجیب است؛ با این‌که همه فیلم‌ها با ویدیو گرفته می‌شوند، به برخی فیلم‌ها پروانه ساخت می‌دهند و به برخی دیگر نه! در واقع فیلم‌سازهای باتجربه‌تر، به خاطر این‌که دو فیلم دیگر ساخته‌اند، این شانس را دارند که پروانه ساخت سینمایی بگیرند، ولی فیلم‌سازهای جوان که اتفاقاً می‌شود بهشان امیدوار بود تا کار تازه‌ای ارائه دهند، چون هنوز آلوده فضای سینما نشده‌اند، با این‌که ایده و فکری تازه دارند، از این حق محروم‌اند. یک فیلم‌ساز جوان باید پروانه ساخت ویدیویی داشته باشد و در غیر این صورت اجازه شرکت در فستیوال فجر را ندارد، یعنی نمی‌تواند تجربه فیلمش را با مخاطبان در جشنواره به اشتراک بگذارد. این برای من خیلی دردناک است که ما از حضور جوان‌ها احساس ناامنی کنیم و از آمدنشان به سینما هراس داشته باشیم. باور دارم که این مورد بیش از هر چیزی به سینمای مستقل ضربه می‌زند. نکته مهم بعدی در این زمینه گران شدن هزینه تولید فیلم‌هاست. در واقع شکاف بین یک فیلم بدنه و یک فیلم مستقل به دلیل تورم خیلی کم شده و فیلم‌سازهای مستقل دیگر نمی‌توانند مثل قبلاً با زیر یک میلیارد تومان فیلم بسازند و به همین

به جای کلمه قمار از همان ایام قدیم از لفظ پیش‌بینی استفاده می‌کردند و همیشه جزئی از زندگی‌شان بوده. از حدود ۱۰ سال پیش هم پیش‌بینی فوتبال در این منطقه به راه افتاد. این دو موضوع و فشارهای اقتصادی که هر روز پیچیده‌تر می‌شود، به علاوه بحران‌های اقتصادی بعد از تحریم‌ها، موقعیت خاصی به آن اقلیم داده است. در واقع در آن منطقه فضایی به وجود آمد که مردم بدون این‌که کار غیرقانونی انجام دهند، در این زمینه ریسک کنند. در واقع با نوعی جاه‌طلبی، راه‌های میانبر را برای رسیدن به طبقات بالاتر اقتصادی تجربه می‌کنند.

■ **«تومان» سومین فیلم شما به عنوان کارگردان است. حالا که سومین اثرتان را کارگردانی کرده‌اید و این فیلم در سی‌وهشتمین جشنواره فجر هم به نمایش درمی‌آید، فکر می‌کنید چقدر در سال‌هایی که به عنوان کارگردان در سینمای ایران فعالیت کرده‌اید، توانسته‌اید به مسیر و شیوه‌ای که از ابتدا در ذهنتان طراحی کرده بودید، برسید؟ اصلاً به آن مسیر دلخواه رسیده‌اید، یا فکر می‌کنید هنوز نیازمند تجربه کردن هستید؟**

فکر می‌کنم اساساً کار کردن در سینما مقصد ندارد و همین مسئله دغدغه من است. به نظرم زمانی که احساس کنیم به آن نقطه دلخواه در فیلم‌سازی یا سینما رسیدیم، دیگر نمی‌توانیم فیلم جالبی بسازیم. تو به عنوان کارگردان همیشه باید از یک مقصد در مسیر کار سینمایی‌ات دوری بجویی. کار کردن در این حرفه جست‌جویی مداوم است و هیچ‌وقت نمی‌توانی فکر کنی ممکن است روزی برسد که احساس کنی دیگر جلوتر از این نمی‌شود رفت. به محض این‌که من به عنوان کارگردان احساس تسلط کنم و پیش خودم فکر کنم که دیگر بلدم چه کار کنم و همه چیز

اساساً کار کردن در سینما مقصد ندارد و همین مسئله دغدغه من است. به نظر زمانی که احساس کنیم به آن نقطه دلخواه در فیلم‌سازی یا سینما رسیدیم، دیگر نمی‌توانیم فیلم جالبی بسازیم

دلیل ساده سرکوب می‌شوند، چراکه احتیاج به سرمایه‌شان مستقیم‌تر شده است.

و البته شاید تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار هم سخت‌تر بپذیرد که پشت چنین فیلم‌هایی بایستند. درست است؟ بله، و به همین دلیل فیلم‌سازها ناخواسته مجبور می‌شوند به دل تهیه‌کننده‌ها راه بیایند. مجبورند برای به سرانجام رسیدن پروژه، تن به خواسته تهیه‌کنندگان بدهند. در همین شرایط فکری تازه و نگاه‌های جسور در سینمای ایران عقیم می‌مانند، یا سرکوب می‌شوند.

اما به نظر می‌رسد از زمانی که فعالیتتان را شروع کردید، به همان نگاهی که از ابتدا مدنظر داشتید، پای‌بند ماندید و ترجیح می‌دهید حتی اگر به عنوان کارگردانی کم‌کار و گزیده‌کار شناخته شوید، فیلم شخصی خودتان را بسازید. این نظر درباره خودتان را قبول دارید؟

راستش من نمی‌توانم هیچ‌وقت پُر این گزیده‌کاری را بدهم و به این نکته که شما اشاره کردید، افتخار کنم، چراکه کار کردن در این شرایط و سینما به دلیل حساسیت‌های زیادی که دارم، سخت است. همیشه فکر می‌کنم اگر قرار باشد آن فیلمی را که خودم دلم می‌خواهد، کار نکنم، پس بهتر است شغلم را عوض کنم و کار دیگری انجام دهم. من اگر گزیده‌کارم، تنها به این دلیل است، نه این‌که فکر کنم حرف جدی‌تری از بقیه

در فیلم‌هایم می‌زنم. این یک انتخاب شخصی است. دوست دارم در شرایطی فیلم بسازم که مخاطب را با خودم همراه کنم؛ مخاطبی که می‌توانم خودم باشم. به این فکر می‌کنم که چه چیزی می‌تواند من را به عنوان مخاطب به هیجان بیاورد. البته همین حساسیت‌ها کارم را سخت می‌کند.

■ از انتخاب بازیگران «تومان» به برابرمان بگویید. همه چیز از ابتدا آن‌طور که دلتان می‌خواست، پیش رفت، یا این‌که در چپ‌نشین بازیگرانمان مجبور شدید سراغ گزینه‌هایی که از ابتدا انتخابتان نبودند، بروید؟

در چند وقت اخیر که درباره فیلمم با افراد مختلف صحبت کردم، به همه آن‌ها گفته‌ام که یک آرزو بیشتر درباره فیلمم ندارم؛ آن هم این است که بازی بازیگران دیده شود. ما با فکر شکستن دایره بسته انتخاب بازیگرها، به خصوص بازیگران مرد، دست به انتخاب بازیگران «تومان» زدیم. و البته مدتی است که می‌دانم اقتصاد سینمای ایران منوط به حضور ستاره‌ها نیست. از طرف دیگر، خوشحالم که نوید محمدزاده که در پروسه اولیه، این نقش را برایش نوشته بودم، اما به دلیل مشغله‌هایش نتوانست ما را همراهی کند، خودش اولین حامی حضور میرسعید مولویان بود. او به من این جسارت را داد که مولویان را برای این نقش انتخاب کنم و من هم در این راه مصمم شدم. اما مهم‌تر از همه، انرژی بازیگران فیلم ما بود که ۹۰ روز در گرمای طاقت‌فرسای کنبه کار کردند. مجتبی پیرزاده، بازیگر نقش عزیز، سه ماه از بچه شش ماهه و خانواده‌اش دور بود. برای جبران زحمات آن‌ها دوست دارم بازی‌شان آن قدر دیده شود تا همه بازیگرانم، میرسعید مولویان، مجتبی پیرزاده، ایمان صیاد برهانی، پردیس احمدیه، حامد نجابت و سجاد بابائی بدانند که تلاششان برای زنده کردن شخصیت‌های فیلم دیده شده و آن همه سختی و فشاری که تحمل کردند، به این دیده شدن می‌ارزیده.

■ در سال‌های اخیر فیلم‌های زیادی را دیده‌ایم که با تم اجتماعی ساخته شده و به برخی از موضوعات و معضلات روز جامعه پرداخته‌اند. در جشنواره امسال هم فیلم‌های زیادی داریم که به این موضوعات پرداخته‌اند، اما می‌خواهیم از وجه تمایز نگاه خودتان در «تومان» به مسئله اجتماعی‌ای که در فیلمتان طرح کردید، بگویید.

از نگاه خودم وجه تمایز «تومان» نوع رئالیسمش است. فیلم‌هایی در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند که رئالیسم اجتماعی پرتب‌وتابی دارند، مثل سینمای آقای فرهادی و سینمای آقای روستایی که من خیلی دوستشان دارم. هر دو در نوشتن دیالوگ‌های شکسته‌ای نزدیک به بافت شهری‌مان تبحر دارند و تصاویر خاکستری‌شان آن را هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک می‌کند. اما «تومان» شبیه آن‌ها نیست. رئالیسمی دارد که از دل سینما می‌آید، نه از دل اجتماع. «تومان» مابه‌ازاهایش را از منابع سینمایی می‌گیرد. البته که هیچ‌کدام این دو نوع رئالیسم مزیتی بر دیگری ندارد. صرفاً یک انتخاب است.





«قصه دختران فروغ» به روایت خاطره حناچی

خوب و بد مستندسازی و قصه‌های حضور در فجر

یک دغدغه شخصی و زنانه؛ جرقه اصلی «قصه دختران فروغ»

ساخت فیلم «قصه دختران فروغ» از سال ۹۱ و جرقه اصلی‌اش هم از یک دغدغه شخصی شروع شد. آن زمان من به عنوان یک زن در این فکر بودم که آیا خودم دارای فرزند شوم، یا از مراکز نگاه‌داری بچه‌ای را به فرزند بگیرم و بزرگش کنم. با گذر زمان این دغدغه برای من بسیار مهم شد و خیلی اتفاقی با این مرکز آشنا شدم. (این مرکز در تهران نیست و در یکی از شهرهای ایران است.) مرکزی که در اصل خانواده‌ای ۴۰، ۵۰ نفری است و زوجی که همه بچه‌ها پدر و مادر صداپشان می‌زنند، از آن‌ها نگاه‌داری می‌کنند. من جذب این مرکز شدم و همین جذابیت باعث شد بروم و به عنوان یک زن جواب سوال و دغدغه‌ام را به

دست بیاورم. اما با گذر زمان متوجه شدم چقدر دغدغه من در برابر اتفاق‌هایی که در زیرلایه این خانواده رخ می‌دهد، ناچیز است. من به موضوعی رسیده بودم که دغدغه‌ام را به‌تمامی به کناری می‌رانند. همان‌طور جلو رفتم و سال ۹۴ فیلم را به اتمام رساندم. اما مشکلاتی به وجود آمد که نتوانستیم فیلم را نمایش دهیم و متوقف ماند. در ادامه در سال ۹۶ متوجه مشکلاتی دیگر در این مرکز نگاه‌داری شدم و تصمیم گرفتم داستان فیلم را تغییر دهم. سال ۹۷ مجدداً فیلم‌برداری کردم و درنهایت فیلم با تدوین جدید در اردیبهشت سال ۹۸ به پایان رسید. بیننده در این فیلم با مستندی روبه‌روست که برای دیدنش باید حوصله به خرج دهد. ممکن است در بدو امر فکر کند این فیلم هم مانند فیلم‌های دیگر مستند در رابطه با کودکان



بدرسرپرست است، که اشتباه هم فکر نکرده است، ولی هر چقدر جلو می‌رود، با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شود که او را به چالش می‌کشد.

ایمان به موضوع مطرح‌شده و حرکت روبه جلو

فضای فیلم، فضای پرتنشی بود، اما اتفاق‌هایی که برای این بچه‌ها رخ می‌داد، برایم بسیار مهم بود. آن‌ها برای من فقط یک کاراکتر نبودند که فیلمم را بسازم و بروم. آن‌ها در طول این سال‌ها جزئی از وجود من شده بودند. طی دو ساله که به خاطر اختلافات به‌وجودآمده با آن‌ها ارتباطی نداشتم (اختلافاتی که مانع نمایش فیلم در سال ۹۴ شدند)، به واسطه روان‌شناسی که قبلاً با این بچه‌ها کار می‌کردم، از شرابطشان و دیگر چیزهای مربوط به زندگی‌شان مطلع می‌شدم. در طول ساخت این فیلم خیلی اوقات به استیصال می‌رسیدم و تصمیم می‌گرفتم این کار را کنار بگذارم و ادامه‌اش ندهم. نمی‌دانم، شاید ایمانم به موضوع مطرح‌شده من را رو به جلو هل می‌داد. گذشته از گرفتاری‌های بسیار زیاد در طول این هفت سال، مسائل مالی هم گاهی من را مستاصل می‌کرد. اما دائماً به این فکر می‌کردم که این فیلم حتماً می‌تواند اتفاق خوشایندی را، نه‌تنها برای این بچه‌ها (که اگر اتفاق خوبی برایشان بیفتد، بسیار خوشایند خواهد بود)، بلکه برای بچه‌هایی با چنین شرایطی، در آینده رقم بزند. من همیشه بر این عقیده‌ام که اگر زنان جامعه محیط امنی را تجربه و زندگی کنند، روان سالمی خواهند داشت و در نتیجه آن زمان است که ما می‌توانیم جامعه‌ای سالم و پویا داشته باشیم. در طول تدوین طولانی این فیلم برای من شرایط این دختران به عنوان زن و مادر بسیار دردآور بود.

چرخه‌ای مناسب برای حل آسیب‌های اجتماعی

اگر اشتباه نکنم، اختلاف بین بچه‌ها، البته تعدادی از آن‌ها، و این زوج از تیرماه ۹۶ شروع شد و من از آبان‌ماه همان سال متوجه این قضیه شدم. بیشتر از کنجکاوی برای دانستن ماجرای حقوقی این پرونده قضایی، این‌که در این حین چه اتفاقاتی برای این بچه‌ها و زندگی‌شان رخ می‌داد، برایم مهم‌تر بود. کنجکاو بودم بدانم این اتفاق تا چه میزان روی زندگی شخصی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بچه‌ها در آن مرکز زندگی می‌کردند. حتی اگر ازدواج هم می‌کردند، باز هم درگیر آن محیط بودند. با توجه به مسائل پیش‌آمده من سه خانواده را در فیلم داشتم؛ خانواده‌ای که آن زوج، قبل از اختلافات، برای این بچه‌ها ساخته بودند، خانواده‌ای که بچه‌ها با ازدواجشان برای خود ساخته بودند و خانواده اصلی خود بچه‌ها، یعنی پدر و مادر واقعی‌شان. حال اتفاقی که در تدوین مجدد افتاد، این بود که من به نقد نظام تربیتی در خانواده‌های ایرانی

پرداختم. فکر کردم که این چرخه، چرخه خوبی برای مطرح کردن این موضوع است و هم‌چنین در فیلم می‌بینید که ما به عنوان افراد خیر چه اندازه با موضوع مداخله در بحران‌آشنایی داریم. این فیلم یک قصه اصلی دارد و چند خرده‌قصه. آن خرده‌قصه‌ها ارزشش به اندازه قصه اصلی فیلم است. من فکر می‌کنم اگر مسئولان، منتقدان و خانواده‌ها با سعه صدر و هوشیاری فیلم را ببینند، حتماً اتفاقات خوبی را می‌توانند پیرامون خود رقم بزنند.

جشنواره فجر باید جریان‌ساز باشد

این واقعیتی انکارناپذیر است که در جشنواره فجر فیلم‌های مستند همیشه پشت فیلم‌های داستانی گم می‌شوند. چه آن زمان که فیلم‌های مستند کم بودند و چه حالا که تعدادشان افزایش یافته است. جشنواره فجر در راستای فرهنگ‌سازی دیده شدن فیلم‌های مستند می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. این نوع فرهنگ‌سازی در ایران زمان‌تر است. اما با همین گذشت زمان ما





سینما حقیقت چندین سال است فقط در سینمای چارسو برگزار می‌شود. درست است که تبلیغات مناسب محیطی و رسانه‌ای و رو به پیشرفتی دارد، اما جشنواره فجر بُعد ملی دارد. طی این ۳۸ سال همه منتظر بهمن‌ماه، جشنواره فجر و فیلم‌های داستانی‌اش بوده‌اند. فضای رسانه‌ای هم آماده این جشنواره است. چرا ما مستندسازان در کنار فیلم‌های داستانی از این فضا استفاده نکنیم؟ همان‌طور که در فستیوال‌های خارجی بسیار جلوتر از فیلم‌های داستانی پیش رفته‌ایم. استفاده از فضای جشنواره فجر برای دیده شدن فیلم‌های مستند فقط یک اراده قوی از طرف مسئولان می‌خواهد. (یک سال به واسطه حضور یکی از فیلم‌هایم در جشنواره ایدفا که در کشور هلند برگزار می‌شود، شرکت کردم. می‌دیدم تمام سنین برای دیدن فیلم‌های مستند می‌آمدند. آقایان و خانم‌های ۷۰، ۸۰ ساله‌ای بودند که با عصا به سالن می‌آمدند. در آن کشورها چگونه فرهنگ‌سازی می‌شود که چنین مشتاق تماشای فیلم مستند هستند؟) ما نمی‌توانیم تاثیرگذاری فیلم مستند را در حل مشکلات کشورمان نادیده بگیریم. اگر مسئولان متولی امر ما مستندسازان را جدی بگیرند و مقابل خود ندانند، حتما این همه تولیدات فیلم مستند با مضامین مختلف می‌تواند برای حل مشکلات راه‌گشا باشد. ما مستندسازانی که در رابطه با آسیب‌های اجتماعی کار می‌کنیم، مقابل مسئولان نیستیم، زیرا همگی در این سرزمین زندگی می‌کنیم و حتما دل ما برای این خاک می‌تپد که با وجود مشکلات بسیار زیاد فیلم مستند می‌سازیم تا شاید راه‌گشا برای حل آسیب‌های اجتماعی باشد.

توانستیم به تعریف درست سینمای مستند برسیم و حالا مخاطب می‌داند برای دیدن فیلم‌های مستند باید به سراغ جشنواره سینما حقیقت برود. زمانی بود که وقتی حرف از فیلم مستند می‌شد، همه به اشتباه یاد حیات وحش می‌افتادند. با این نوع فرهنگ‌سازی‌هاست که این نگاه رنگ می‌بازد و نگاه درستی جایش را می‌گیرد. جشنواره فجر باید برای فیلم مستند جریان‌ساز باشد؛ آن هم با عمل کردن نه فقط با حرف زدن. درست است که قرار گرفتن ساعت‌های نمایش فیلم‌های مستند در کنار فیلم‌های داستانی، اتفاق خوب جشنواره است (اتفاقی که اگر در راستای کمک به دیده شدن فیلم‌های مستند و فرهنگ‌سازی نباشد، ناموفق خواهد بود)، اما وقتی فردی بلیتی را به صورت پیش‌فروش خریداری می‌کند، فیلم‌های مستند و کوتاه هم در سری فیلم‌های بلیتش وجود دارند. انگار که مخاطب مجبور باشد فیلم‌های مستند و کوتاه را هم خریداری کند. درست است که به این شکل فیلم‌های مستند خریداری می‌شوند و آمار فروششان هم بالا می‌رود، اما هیچ‌گاه و در هیچ سالی به اندازه قابل توجهی مخاطب در سالن‌های نمایششان حضور نداشته است.

جشنواره فجر بُعد ملی دارد

از آن جایی که برای خیلی از دوستان ما هم این مسئله به وجود می‌آید که فیلم‌های مستند خود یک جشنواره مستقل به نام سینما حقیقت دارند، اما چرا برای حضور در جشنواره فجر هم تلاش می‌کنند، باید بگویم مخاطب جشنواره فجر، مخاطب عام‌تری است و عرضه فیلم در جشنواره فجر در قالب گسترده‌تری اتفاق می‌افتد. جشنواره

دابر به روایت سعید نجاتی

فیلمی که راه به گفت و گو می برد



کوتاه بستر بسیار مهمی است تا از بطنش کسانی قدم در عرصه فیلم سازی فیلم بلند بگذارند. به هیچ عنوان هم معتقد نیستم سینمای بلند ما جلوتر از سینمای کوتاه ماست، البته اگر نخواهم برعکسش را بگویم. به نظر من این عرصه باید از جانب ارشاد و سازمان جوانان بسیار مهم تر شمرده شود، همان گونه که برای ورزشکاران و دیگر عرصه ها ارزش قائل می شوند. وقتی فیلم های کوتاه در فستیوال های خارجی مقام می آورند و دیده می شوند، دیگر چه جای تبعیض؟ مهم نام ایران است که برده می شود.

دوندگی های بسیار برای هیچ

اگر بخواهم از انجام پروسه تولید فیلم بگویم، قصه گریه داری می شود. با توجه به این که من سازنده ۱۴ فیلم هستم، داور بخش های بین الملل بوده ام، بالغ بر ۲۵۰ حضور بین المللی داشته ام و برنده ۹۰ و خرده ای جایزه شده ام، فکر می کردم می توانم راحت تر سرمایه گذار پیدا کنم. اما داستان این طور پیش نرفت و من بعد از یک سال دوندگی با قرض گرفتن از دوستان و همکاری دوستانه توانستم این فیلم را که پانزدهمین فیلم من است، بسازم. البته حق هم می دهم. یک زمانی همه کشور شاعر بودند و حالا همه کشور فیلم ساز هستند.

به فراموشی سپردن نگاه مردانه

این فیلم درباره بلوغ دختران است. نه این که صرفا راجع به این قضیه باشد. در واقع این فیلم درباره رابطه یک پدر با این مسئله است. (پدری سنتی، نه صرفا پدری ایرانی. ممکن است در کشورهای دیگر هم چنین پدیده هایی باشند.) این مسئله با وجود حضورش در زندگی زنان دنیا، هنوز در خیلی از خانواده ها تابو است. دغدغه شخصی من فراموش شدن نگاه مردانه به این مسئله است. به خصوص برای نوجوانانی که اولین بار این مسئله را تجربه می کنند. اصلا همین قصه برای من جذاب شد و طالب بودم درباره اش فیلمی بسازم تا مخاطبانم را به مشارکت، تفکر و گپ و گفت در باب این مسئله دعوت کنم. البته همین جا می خواهم از یکپایه عوامل ساخت (داپتر) تشکر ویژه کنم.

فیلم کوتاه به سان بدن یک ورزشکار

از آن جایی که دنیا به سمت و سوی سرعت و مینی مالیزم پیش می رود، فیلم کوتاه می تواند مهم ترین اتفاق و بستری مناسب برای پرداختن به موضوعات اجتماعی باشد. مقایسه درستی نیست، اما گاهی اوقات ساخت فیلم کوتاه و موجز سخت تر از ساخت فیلم های بلند می شود. به نظر من فیلم کوتاه که هیچ پرتی و زائده ای ندارد، مانند بدن ورزشکاری است که ساخته و پرداخته شده و هیچ چربی اضافه ای ندارد.

جشنواره فیلم فجر جشن مهم سینمای ایران است و همین اهمیت موجب می شود این توقع به وجود آید که فیلم کوتاه به عنوان یکی از بخش های مهم در سینمای کشور در این رویداد سینمایی سهمی داشته باشد. این جشنواره سینمایی همانند هر رویداد دیگری قاعده و قانون خاص خود را دارد و فیلم سازان نیز در مواجهه با قوانین متوجه لزوم پذیرش آن هستند، اما در عین حال برخی از این قوانین ممکن است دست و پای فیلم ساز را ببندد و او را در خلق اثرش با محدودیت هایی مواجه کند؛ مانند محدودیت ۱۵ دقیقه ای فیلم ها که امید می رود این موضوع مورد بازنگری قرار بگیرد. نباید در عین حال از نکته مهمی که در جشنواره امسال رخ داد، غافل شد و آن بررسی همه کاندیداهای جشن مستقل فیلم کوتاه و جشنواره فیلم کوتاه تهران برای راه یافتن به جشنواره به جای ارزیابی فقط کاندیداهای بهترین فیلم این دو جشنواره است.

جایگاه ثابت شده فیلم های کوتاه بین مردم

فیلم کوتاه مدت هاست جایگاه خود را بین مردم باز کرده است؛ البته نه بین عام مردم. جشنواره فجر جایگاه و نقش مهمی در دیده شدن فیلم های کوتاه دارد، به خصوص امسال. آن هم با گذاشتن سانس های مردمی زمینه جلب نظر مردم به بخش فیلم کوتاه فراهم شده است.

حمایت از فیلم کوتاه؛ همانند دیگر عرصه های فرهنگی و ورزشی

مدیران و مسئولان در زمینه های بسیاری با ما لطف کردند؛ فروش های مردمی و قرار دادن سانس های آخر در کنار سانس های اول برای فیلم های کوتاه. اگرچه پیشنهاد من در نظر گرفته شدن سانس های مختلف دیگر هم است. اما ارزشمندی فیلم های کوتاه را هم نباید نادیده بگیریم. فیلم





شهرت
38th FAIR FILM FESTIVAL

دوربین‌هایی که از تهران خارج شدند

در سال‌هایی که دوربین‌های کارگردانان کمتر از چهاردیواری خانه‌ها خارج می‌شود، امسال بیش از نیمی از فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیم‌رغ جشنواره فیلم فجر لوکیشنی خارج از شهر تهران داشته‌اند؛ برخی از آن‌ها به صورت کامل خارج از تهران فیلم‌برداری شده‌اند و در مورد برخی، بخشی از لوکیشن خارج از تهران بوده است.

خروج



کارگردان: ابراهیم حاتمی کیا
گجساران و قم، استان کهگیلویه و
بویراحمد و قم

آبادان یازدهه ۶۰



کارگردان: مهرداد خوشبخت
آبادان

خون شد



کارگردان: مسعود کیمیایی
مازندران

آتابای



کارگردان: نیکی کریمی
شهر خوی، استان آذربایجان غربی

درخت گردو



کارگردان: محمد حسین مهدویان
کردستان

آن شب



کارگردان: کوروش آهاری
شهر لس آنجلس، کالیفرنیا، آمریکا

روز بلوا



کارگردان: بهروز شعبانی
اراک و قزوین (خیلی محدود)

ابر بارانش گرفته



کارگردان: مجید بزرگر
شهرهای شمالی ایران

روز صفر



کارگردان: سعید ملکان
رشت (گیلان)، اصفهان، پاکستان،
دبی (امارات متحده عربی)، آلمان

پوست



کارگردان: بهرام و بهمن ارک
روستای باویل شهرستان اسکو،
استان آذربایجان شرقی

عامه پسند

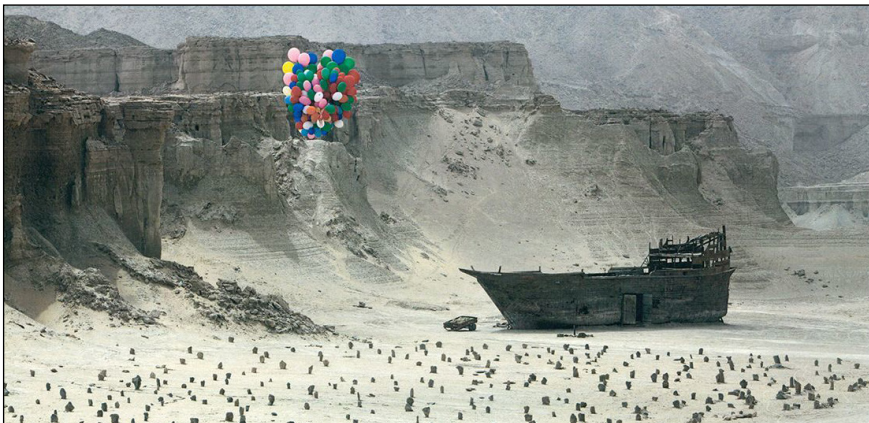


کارگردان: سهیل بیرقی
شهرضا استان اصفهان

تومان



کارگردان: مرتضی فرشپاف
بندر ترکمن و گنبد کاووس، استان
گلستان



پراکنده از سال‌های دور تا نزدیک

قاب‌های درخشانی که در جشنواره فجر تقدیر شدند

قبل از آن که سینمای ایران درگیر چهارچوب دیوارهای آپارتمان‌های شهری شود و دوربین در متنوع‌ترین حرکت از این اتاق به آن اتاق سرگردان شود، نماهای بیرونی، خارج از چهاردیواری و فضاهای باز لوکیشن فیلم‌های سینمای ایران بودند. در یک دهه اخیر موج فیلم‌های آپارتمانی سینمای ایران را فرا گرفت، اما در تمامی این سال‌ها بودند و هستند فیلم‌هایی که گروه سازنده زحمت کوچ از تهران و رفتن به منطقه‌ای بکر و تصویر کردن نماهایی تازه را به خود داده‌اند. در نگاهی نه چندان موبه‌مو و دقیق، بلکه بیشتر بر اساس به‌یادماندنی‌ها، مروری بر قاب‌های درخشانی می‌شود که در برخی از آثار تحسین‌شده جشنواره فیلم فجر ثبت شده بودند.

آن خط کج ماندگار

تحسین کردند. این فیلم علاوه بر آن که در بخش صدا جایزه گرفت، لوح زرین (عنوان جایزه جشنواره فجر در سال ۱۳۶۵) فیلم‌برداری را برای محمود کلاری به ارمغان آورد و هم چنین کیارستمی نیز لوح زرین کارگردانی را دریافت کرد.

کویری که اوج می‌گیرد

خاستگاه رضا میرکریمی گرافیک و هنر تصویری است و همین موجب شده هر جا ردپای او دیده شود، سلیقه‌ای که ناشی از علم و دانشی درباره رنگ و نور و گرافیک و طراحی است، مشاهده شود. این چه در فیلم‌هایش و چه در مواد تبلیغی آثارش و حتی عناصر تصویری که در جشنواره جهانی فجر به کار می‌برد، قابل تشخیص است. او در «خیلی دور، خیلی نزدیک»، فیلمی که در سال ۱۳۸۳ اغلب فیلم‌برداری‌اش در مناطق کویری انجام شد، تصاویری را ثبت کرده که هم‌چنان در سینمای ایران مثال‌زدنی است. حمید خصوصی ایبانه با هدایت میرکریمی عنصر کویر را به خدمت فضاسازی و پیشبرد

«خانه دوست کجاست؟» یکی از مشهورترین و به‌یادماندنی‌ترین فیلم‌های کارگردان جهانی سینمای ایران، عباس کیارستمی، از مصادیق قاب‌های ماندگاری است که کارگردان در خارج از فضای شهر و البته تهران ثبت کرد. کیارستمی که البته به دلیل نوع سینمایش و سبک و سیاق خاص خود، به هر عنصری در فیلم جایگاه و اعتباری می‌بخشید، در مورد انتخاب لوکیشن نیز همواره چنین عمل می‌کرد؛ چه آن‌جا که نمای دوربین فیلمش دشتی بزرگ را تا دوردست‌ها در خود جای می‌داد، چه زمانی که دوربین در تنگنای یک اتومبیل گیر افتاده بود، یا همچون فیلم «مثل یک عاشق» در ماشین و آپارتمان و خیابان حرکت می‌کرد. در میان ساخته‌های کیارستمی، «خانه دوست کجاست؟» بسیار پرطرفدار و محبوب است. این نه‌فقط در میان مخاطبان ایرانی و جهانی است، بلکه در پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر نیز داوران خط کج فیلم کیارستمی و قصه و دنیای آن را

نمی‌رسد. اصغر فرهادی زمانی که می‌خواست از قصه‌گم شدن دختری جوان در میان جمعی از آشنایانش سخن بگوید، دوربین خود را به همراه گروه بازیگرانش راهی شمال کشور کرد. گروه («درباره‌ی الی...») در چالوس مستقر شدند تا این فیلم فرصتی شود برای تنیدن دریای خزر در دل یک اتفاق سینمایی تمام‌عیار. از صحنه‌ای که گروه مسافران فیلم از تونل می‌گذرند، تا وقتی در خانه ساحلی قرار می‌گیرند و در نهایت جنگ شخصیت‌های فیلم با دریا برای نجات جان کودک و الی... همگی جان سینماست. حسین جعفریان برای فیلم‌برداری («درباره‌ی الی...») نامزد دریافت جایزه شد و اصغر فرهادی علاوه بر آن‌که سیمرغ بلورین کارگردانی را دریافت کرد، اثر او نام بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را هم به خود اختصاص داد.

حسرت نادیده ماندن زیباترین تصاویر

مجید مجیدی هم از کارگردانی است که به خلق تصاویر زیبا و به یادماندنی در سینما علاقه‌مند است و یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های تصویری را در کارهای او می‌توان در «رنگ خدا» دید. او که در این فیلم قصه‌پسری نابینا و دشواری‌های زندگی او را به همراه پدرش تصویر کرده، گویا به عمد برای تأکید روی آن‌چه از کودک فیلم دریغ شده، تصویری زیبا در شمال کشور را در فیلمش به نمایش گذاشته است. هنوز هم عکس دست کودک نابینای «رنگ خدا» که در دشت روی گیاهان کشیده می‌شود، یکی از قاب‌های به یادماندنی سینمای ایران است. محمد داودی برای فیلم‌برداری این اثر که عنوان فیلم برگزیده تماشاگران را هم به خود اختصاص داد، نامزد دریافت جایزه سیمرغ فیلم‌برداری شد.

بیدار شو آرزو

اگر آن‌چه پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، تصویری چشم‌نواز از جای جای ایران در فیلم‌های کارگردانان بود، در «بیدار شو آرزو» کیانوش عیاری برای به تصویر کشیدن مصیبت از تهران خارج شد. او به عنوان یک فیلم‌ساز دغدغه‌مند زمانی که با زلزله بم مواجه شد، دوربین و گروه فیلم‌برداری را راهی شهری کرد که تا چند روز قبل بزرگ‌ترین بناهای تاریخی ایران را در سینه خود جای داده بود و همراه مردمانی شد که عزیزان خود را با دستان خود زیر آوارها می‌جستند. این فیلم موفق به کسب جایزه دستاورد فنی و اثر هنر و تجربه‌ای جشنواره بیست‌وسوم فیلم فجر شد.

به رنگ ارغوان

هر چند خیلی طول کشید تا «به رنگ ارغوان» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا از مرحله ساخت به اکران برسد، اما تصویری که حسن کریمی، فیلم‌بردار این کار، در جنگل‌های شمال کشور ثبت کرد، از دید داوران بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر دور نماند و حسن کریمی موفق شد سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌برداری را به خانه ببرد و حاتمی‌کیا نیز جایزه‌ای در کنار دیگر جوایز خود قرار داد.

داستان درآورده و آن‌جا که نیاز به تلطیف فضا یا تصویر خشونت است، طبیعت و فضای محیطی در قاب کارگردان جای می‌گیرد. بعد از فیلم «خیلی دور، خیلی نزدیک» بود که برخی توجه‌ها به لوکیشن کویر در آثار سینمایی جلب شد و تعدادی از کارگردانان نیز سختی فیلم‌سازی در این لوکیشن دشوار را به خود دادند. این کار سخت البته جدای از آن‌که موجب شد فیلم میرکیمی عنوان بهترین فیلم جشنواره را از آن خود کند، سیمرغ بلورین فیلم‌برداری را هم برای خضوعی ایبانه به همراه داشت.

چشم‌نواز همچون قشم

بارها منتقدان مختلفی در سال‌های اخیر بر این موضوع تأکید کرده‌اند که مانی حقیقی با نوع پرداخت تصویری در فیلم سینمایی «آزدها وارد می‌شود» زمینه‌ساز تغییر ذائقه در سینمای ایران شده است. نماهایی که در قاب دوربین هومن بهمنش در جزیره قشم ثبت شد، در دهه‌ای که دوربین از چرخ زدن در راهروهای آپارتمان‌ها سرگیجه می‌گرفت، به مثابه یک شگفتی جلب توجه می‌کرد. در فیلم حقیقی پایه و اساس بر ثبت تصاویر چشم‌نواز گذاشته شده بود و این، چه در ظاهر و پوشش بازیگران و چه در طراحی صحنه و بالاتر از آن در انتخاب لوکیشن، رعایت شده بود. از نمایی که دوربین از روی بازیگر نقش اول فیلم با بازی امیر جدیدی عبور می‌کند و تصویر او را روی ماشین که در کشتی قرار گرفته، نشان می‌دهد، تا تمامی تصویری که دوربین روی صخره‌های جزیره قشم می‌چرخد و تا جایی که اوج گرفتن بادکنک‌ها را نمایش می‌دهد، همگی، تصویری را شکل می‌دهند که سینمای ایران تا سال‌های سال از آن یاد خواهد کرد.

رازی که در دریا خفت

برای بیان سرگستگی و دل‌شوره و التهاب و تنش چه فضایی مناسب‌تر از دریایی متلاطم و خانه‌ای که ناامنی از سر و روی آن می‌بارد و دیوار و پنجره‌ای که قرص و محکم به نظر





گفت‌وگو با سید مصطفی میرسلیم

قدر جشنواره فیلم فجر را بدانیم

وزیر فرهنگ و ارشاد دولت سازندگی بر این اعتقاد است که جشنواره فیلم فجر یکی از ابتکارات خوبی بوده است که باید قدر آن را دانست، چراکه می‌تواند به طور ویژه ابزاری برای ارائه خطوط راهنما و الگودهی به جامعه هنری و تشویق تولیدات سینمایی باشد.

او که تاکید دارد سینما باید ابزاری برای آگاهی‌رسانی درباره ارزش‌ها و گفتمان انقلاب باشد، می‌گوید: «انتظار ما این بود که همان فعالیت متعهدانه‌ای که برای تولید و رواج آثار فاخر آغاز شده بود، ادامه یابد.»

میرسلیم مسئولیت اجتماعی سینما را بسیار مهم می‌داند و تاکید می‌کند: «سینما اگر در مسیری درست پیش برود، در شناساندن مسائل و مشکلات کشور، قصورها و تقصیرها، ایجاد تنفر نسبت به زشتی‌ها و خبیثت‌ها، یا در شکل دادن محبت و علاقه به زیبایی‌ها، از خودگذشتگی‌ها و صداقت‌ها و... می‌تواند عمیقاً اثربخش باشد.»

نمایش بگذارد.

در این زمینه البته کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است. موفقیت‌هایی هم به دست آمده که تحسین‌برانگیز بوده است، ولی نه در تراز انقلاب اسلامی و ارزش‌های متعالی آن. نگرانی‌ای که در این مورد به چشم می‌خورد، به نیت نامبارک برخی تهیه‌کنندگان و همکارانشان برمی‌گردد که هدفشان نشان دادن مسائل و مشکلات کشور، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب، به منظور برانگیختن تحسین کسانی بود که در خارج از کشور، در کمینگاه فرهنگی، برنامه‌شان در استفاده از سینما، تحقیر جمهوری اسلامی، توهین به انقلاب و خفیف جلوه دادن انقلابی‌ها بود و در این راه تا آن‌جا پیش رفتند که برای دریافت جایزه از بیگانگان با خوار نشان دادن کشور و انقلاب از هم سبقت گرفتند.

آقای میرسلیم! اساساً چقدر باور دارید جشنواره فجر می‌تواند راهی برای جلب نگاه‌ها به موضوعات مغفول در جامعه باشد؟

دهه فجر برای ما ایرانیان بسیار مبارک است و چه بهتر که به همان مناسبت، آثار فاخر فرهنگی و هنری پس از نقد و بررسی‌های اولیه، در همان حال و هوای جشن‌های مردمی پیروزی انقلاب، به معرض بهره‌برداری توأم با داور مردمی گذاشته شود، تا سینما هم نقشی در این شادی و جشن پیدا کند.

در همین راستا معتقدم جشنواره فیلم فجر یکی از ابتکارات خوبی بوده که باید قدر آن را دانست، چراکه می‌تواند به طور ویژه ابزاری برای ارائه خطوط راهنما و الگودهی به جامعه هنری، تشویق تولیدات سینمایی، ارزیابی اندازه موفقیت آن‌ها و داور برای گزینش برترین‌های سینمای ایران باشد.

یعنی فکر می‌کنید سینمای ایران تاثیرگذاری‌ای را که باید هنر سینما در جامعه داشته باشد، دارد؟

رسالت سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی، دیگر نمی‌تواند

آقای میرسلیم! در سال‌هایی که مدیریت هنری و فرهنگی را برعهده داشتید، چه اهمیتی برای جشنواره فجر از جهت بیان سیاست‌ها و خط مشی سینما قائل بودید؟

انقلاب اسلامی ایران پیام‌آور ارزش‌هایی بود که نه فقط برای خود ما ایرانیان، که برای تمام آزادی‌خواهان جهان مهم است. یکی از موثرترین ابزارهای آگاهی‌رسانی درباره ارزش‌های انقلاب و نیز انتقال گفتمان انقلاب، هنر هفتم یا همان سینماست. تاثیرگذاری سینما هم به قدرت نفوذ این هنر در ذهن و دل مردم برمی‌گردد.

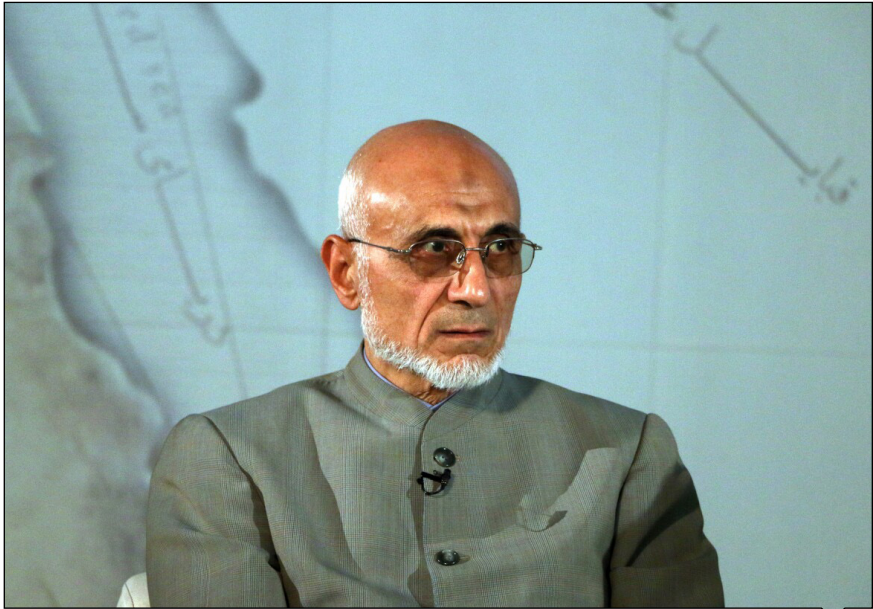
در همین راستا در آن دوران ما کلاً به لحاظ اجتماعی برای هنر، به‌ویژه سینما، اولویت قائل بودیم و راهبرد و سیاست کلی سینما را تجدید نظر کردیم. طبیعتاً جشنواره فجر که ابزار تشویقی سیاست‌ها بود، اهمیت بسیار یافت و آن سیاست عملاً در اجرا موفق شد.

به طور کلی، سینما را چقدر در جایگاه رسانه‌ای برای انتقال اهداف و برنامه‌های فرهنگی در مدیریت کشور مهم می‌دانید؟

با توجه به قابلیت و تاثیرگذاری گسترده سینما در حوزه اجتماعی، باید جایگاه بلندی به آن اختصاص دهیم و از طرح‌های فاخر پشتیبانی کنیم. فراموش نکنیم فیلم یکی از ابزارهای مهم آگاهی‌رسانی و انتقال مفاهیم، به‌ویژه در صحنه فرهنگ عمومی، است.

کدام نوع از سینما و محصولات آن را برای کمک به وضعیت امروز جامعه مفید می‌دانید؟

ببینید، نزد ما هنر به طور کلی و سینما به طور ویژه، هنگامی قابل حمایت بود که از خود تعهد نشان می‌داد، یعنی به مسائل مبتلابه جامعه آگاه بود و برای شناساندن آن مسائل و ایجاد انگیزه در مخاطبان خود در جهت چاره‌جویی آن گام برمی‌داشت. امروز نیز معتقدم تولیدات سینمایی ما باید فرهنگ مقاومت، تلاش بی‌وقفه، از خودگذشتگی و مبارزه بی‌امان با مفساد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را به



در فیلم ایرانی قبل از انقلاب نمایان شود. هم پیش هنری تغییر ماهوی پیدا کرده و هم توقع از هنر متعهد این است که شاهد تهیه و تدوین فیلم‌هایی باشیم که نمایش‌دهنده جایگاه انسان و کرامت او و هدف آفرینش او، و بازکننده گره‌هایی باشد که با تدابیر سیاسی و اقتصادی و انتظامی گشودنی نیست.

البته تجمع اهل فن و اصحاب هنر و نقادان، در میان مردم، به مناسبت دهه فجر و ایام جشنواره، بسیار خوش‌یمن است؛ چه از نظر رفع کاستی‌هایمان و چه ان‌شاءالله، اثرگذاری بر روند سینما در کشورهای همسایه و سپس در جهان.

بر همین اساس معتقدم برای حضور موفق سینما در جامعه و عملیاتی کردن وظایفی که از این هنر انتظار می‌رود، تمام مراحل باید در نظر گرفته شود. این مراحل شامل اندیشه اولیه، داستان‌نویسی بر اساس واقعیت‌ها یا بر پایه قدرت تخیل و آفرینش هنری، صحنه‌پردازی، کارگردانی،

جشنواره فیلم فجر یکی از ابتکارات خوبی بوده که باید قدر آن را دانست، چراکه می‌تواند به طور ویژه ابزاری برای ارائه خطوط راهنما و الگودهی به جامعه هنری، تشویق تولیدات سینمایی باشد

بازیگری و... است.

برای مثال، ارائه تصویر درست از انقلاب و ارزش‌های انقلاب وابسته به قدرت هنری و فنی ما در فضای خلاقیت سینمایی است. به علاوه، سینما اگر در مسیری درست پیش برود، در شناساندن مسائل و مشکلات کشور، قصورها و تقصیرها، ایجاد تنفر نسبت به زشتی‌ها و خیانت‌ها، یا در شکل دادن محبت و علاقه به زیبایی‌ها، از خودگذشتگی‌ها و صداقت‌ها و... می‌تواند عمیقاً اثربخش باشد.

■ حال امروز سینما را به نسبت زمانی که شما در این عرصه حضور پررنگ‌تری داشتید، چطور ارزیابی می‌کنید؟

انتظار ما این بود که همان فعالیت متعهدانه‌ای که برای تولید و رواج آثار فاخر آغاز شده بود، ادامه می‌یافت. اما گویا ظاهراً مشکلاتی مانع آن شده است که امیدواریم هر چه زودتر برطرف شود و خیر آن به جامعه ما برسد.

■ آقای میرسلیم! خاطرهای هم از حال و هوای آن سال‌هایی که شما وزیر فرهنگ و ارشاد بودید، از صف ایستادن مخاطبان، آثار سینمایی که به نمایش درمی‌آمد و... دارید؟

دوران وزارت به طور منظم پی‌گیر امور جشنواره بودم و هر سال برای آن و ارزیابی کارهای ارائه‌شده وقت می‌گذاشتم. خاطرم است زمانی دهه فجر مصادف با عاشورای حسینی شده بود. در آن روزها چند ابتکار جالب به روی صحنه رفت که بر دل می‌نشست و شایان تقدیر بود، چراکه به نوعی تلفیق مراسم عزاداری با جشن‌های پیروزی انقلاب بود.





نشست خبری فیلم سه کام حبس



نشست خبری فیلم قصیده گوسفید



فصلنامه

گزارش تصویری

پوشش مجاری آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر



نشست خبری فیلم عامه پسند



آتلیه فجر



فصلنامه

گزارش تصویری

پولس سجای آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر





آتلیه فجر



ارسال کمک‌های جشنواره سی و هشتم به سیستان و بلوچستان

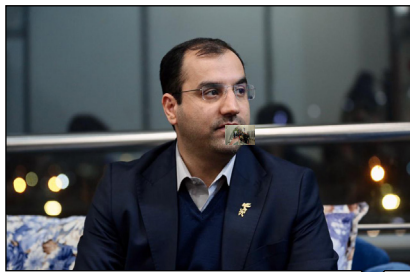




در حاشیه



در حاشیه



فصلنامه

گزارش تصویری
پوشش مجاری آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر



خبرنامه

پانزدهمین سالگرد و بیستمین جشنواره فیلم فجر
شماره ۳۳۸ دی ۱۳۹۸

